

تذکر این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین
علیهما السلام بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.
لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام
گردیده است.

آیین دلبری

نویسنده: مهدی صدری.

سرآغاز

فرهیختگان عالم بشری برای ایجاد جامعه ای پویا، بانشاط و آرام، به وضع قوانینی مبادرت نمودند تا در پرتو آن قوانین، انسان ها بتوانند بهترین و بیشترین بهره و لذت را از عمر و زندگی خویش ببرند. که قوانین راهنمایی و رانندگی از جمله این قوانین است.

این قانون این امکان را می دهد که اتومبیل، وسیله راحتی، رفاه، آسایش و آرامش ما باشد؛ و اگر این قوانین شادی بخش نبودند، اتومبیل به یکی از مخوف ترین سلاح های مرگبار برای انسان تبدیل می شد.

آیا تا به حال اندیشیده اید که از چه رو امر ازدواج، مسأله مهمی است و چرا ازدواج می کنیم؟ باید گفت ما ازدواج می کنیم تا به آرامش که آرزوی دیرینه بشر است، برسیم. هدفی که برای رسیدن به آن، قوانین را ایجاد کرده ایم. هدفی که زندگی بدون آن برای انسان محال است، همانگونه که زندگی بدون آب برای ماهی.

خداوند دانا، اثر مهم و معجزه آسای ازدواج را این چنین بیان می فرماید: و از نشانه های او این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید، تا در کنار آنان آرامش بیابید و در میاتتان مودت و رحمت قرار داد؛ و در این نشانه هایی است برای کسانی که تفکر می کنند.⁽¹⁾

ما ازدواج می کنیم تا از بیماری های روحی و جنسی در امان باشیم.
تحقیقات نشان داده اند که میزان اینگونه بیماری ها در انسان های مجرد بیش از
متأهلین است؛ از این رو ادیان مختلف به ازدواج بسیار سفارش می کنند.

1- روم، آیه 21.

ما ازدواج می کنیم تا در کنار هم و با یاری یکدیگر، پله های ترقی و پیشرفت را یکی پس از دیگری طی کنیم و به موفقیت و بهروزی که آرزوی تمامی انسان ها است، دست یابیم. کم نبودند و نیستند بزرگان و نام آورانی که پیشرفت و سعادت خود را مدیون همسران دلسوز و مهربان و یاری رسان خویش می دانند.

ازدواج می کنیم تا دوستی مهربان، صدیق و باوفا برای خود داشته باشیم؛ دوستی که هیچ گاه ما را رها نکند و در زندگی تکیه گاه مطمئنی برایمان باشد. دوستی که محرم اسرار ما باشد. دوستی که مشاوره امین و چاره ساز مشکلات ما باشد. کسی که از جان و دل یکدیگر را دوست داشته باشیم.

ازدواج می کنیم تا شهد شیرین و گواری عشق را بچشیم و بچشانیم؛ و این نیاز اساسی بشر، دوست داشتن و دوست داشته شدن را برآورده سازیم. نیازی که در صورت برآورده نشدن، آرامش، این گنجینه پربها را نخواهیم یافت.

ازدواج می کنیم تا صاحب فرزند شویم؛ و آمال و آرزوهای خود را در وجود آنان خلاصه ببینیم؛ و آنان را چنان تربیت کنیم تا به مراتبی دست یابند که باعث افتخارمان گردند.

ازدواج می کنیم تا در سفر دنیا، خوش و خرم باشیم و بتوانیم پلی برای رسیدن به بهشت بنا کنیم؛ و خود را از کمند شیطان

برهانیم. در این باره پیامبر ﷺ این چنین می فرماید: هر جوانی که در دوره ی جوانی خود ازدواج کند، شیطان فریاد برآورد که وای بر او! دین خود را از گزند من حفظ کرد.⁽¹⁾

آرامش، عشق، شادی، شور، بهروزی، کامیابی و خوش بختی زمانی به ما لبخند می زند و در کنار ما به سر خواهد برد که بدانیم چگونه باید با یار و دلداری خود رفتار کنیم. راز دلبری را بدانیم و باید که رفتار عاشقانه و چگونگی دل بردن از یار و به طور خلاصه، برای تداوم عشق فی مابین آیین دلبری را بیاموزیم و به کار بندیم.

برای دست یافتن به رؤیایها و آرزوهایی که تا قبل از ازدواج در سر خویش پرورانده ایم، باید راز دلبری را فراگیریم و آیین دلبری را به کار بندیم؛ آنگاه است که خود و همسر و فرزندانمان را از داشتن یک زندگی آرام، دلنشین، شادی بخش و رؤیایی بهره مند می سازیم.

مجال سخن در این باره بسیار است. اما باید به این رازها پرداخت. اگر چه قلم زدن درباره این اسرار زمان بسیاری می طلبد. خلاصه ای از این آیین، از این قرارند:

1- میزان الحکمه، ج 5، ص 2251، ح 7805.

1- راستی و راستگو بودن

راستی، خالق اعتماد است و اعتماد، ستون و پایه اصلی زندگی زناشویی است. با فرود آمدن کثری و برون رفتن اعتماد از خانه عشاق، کلبه ی عاشقانه آنان که باید در آن نعمت عشق شنیده شود، از هم فرو می پاشد. عشقی که آرامش و شور و نشاط و شادی را برای آنان و فرزندان و جامعه آنان به ارمغان می آورد؛ و چنان فردوسی برای آنان برپا می کند که اگر هزاران سال در کنار یکدیگر از عشق بنوشند، از مستی آن سیر نمی گردند. اگر اعتماد از بین برود، زن و مرد مانند دو کارآگاه مشغول جستجو از یکدیگر می شوند. هر دو به هم به دید مجرم نگاه می کنند و زندگی آنها دچار آشفتگی می شود. چرا که شرط اول پلیس بودن، شک است. همه از دیدگاه پلیس مجرم هستند، مگر آنکه عکس آن ثابت شود.

گفت غیر راستی برهاندت داد سوی راستی می خواندت⁽¹⁾
شک مانند زلزله ای ویرانگر، بی رحمانه کلبه عشاق را به لرزه در آورده و آن را بر روی ساکنانش ویران می کند و فقط دنیایی از غم و اندوه برای عشاق دیروز و فارقان امروز به یادگار می گذارد.

شک، خالق خیانت است. بسیارند همسرانی که به دلیل شک به همسر و این که شاید وی دل در گرو اغیار نهاده است، دست به انتقام زدند و دامن خویش را آلوده ساختند؛ در صورتی که آنان

1- مثنوی معنوی.

یقین نداشتند و تنها شک داشتند. شک، خزانی است که بر باغ زندگی به ناگهان فرود می آید و یکایک گل های آن را پر پر می سازد. بلبل عاشق را از گل محبوب دور می کند و بی رحمانه کاشانه عاشق را ویران می نماید.

بسیاری از جدایی ها و دلشکستگی همسران به دلیل شک است. این وهم و خیال که شاید همسرم به غیر از من به کسی دیگر دل بسته است. بیا تا کج نشینم راست گویم که کژی ماتم آرد، راستی سور⁽¹⁾

همسران باید یقین داشته باشند که مورد توجه خاص و محبوب یکدیگر هستند، تا عشق، این عطیه الهی، بین آنها مستحکم گردد و مهمان فرخنده خانه آنان شود. اگر یکی از همسران به عدم صداقت و کژگویی دیگری پی ببرد، یقیناً به عشق میانشان شک خواهد کرد و تمامی روابط عاشقانه خود را سست و بر پایه دروغ خواهد دانست. وی پس از کشف عدم صداقت همسر، به خود حق می دهد که اعتماد را از دل بیرون کند.

پیامبر ﷺ درباره اهمیت صداقت و راست گویی این چنین می فرمایند:
چون در دوستت صداقت دیدی، به او امیدوار باش، وگرنه به او امیدی مبنده. (2)

1- انوری ایبوری.

2- نهج الفصاحه، ص 227، ح 1998.

دروغ و کژگویی، تندبادی است که کانون گرم خانواده را سرد و مجروح می سازد. عدم صداقت و یک رنگی، ناپسند و جفا کارانه است و برای ادامه زندگی خسارت جبران ناپذیری به همراه دارد. دروغ آنچنان پیوند آسمانی عشق را در هم می شکند که دیگر کسی را یارای بازسازی اش نخواهد بود. برای جلوگیری از این عقوبت، باید از ابتدای مرحله آشنایی، صداقت و راستی روش و منش فرد قرار گیرد و تمام حقایقی که در زندگی زن و مرد است و دانستن آن حق همسر است، بدون پنهان کاری، به دیگری عرضه گردد که آشکار شدن حقایق پنهان، اگر چه مهم و زیانبار هم نباشند، باعث اختلال در زندگی و کم شدن محبت می شود. با دروغ و پنهان کردن حقایق، به جای راستی و صداقت، اگر چه ممکن است هر کسی به خواسته خود برسد و طرف مقابل خود را شیفته خویش سازد، اما زمانی که حقیقت آشکار گردد، ویرانی در پی خواهد آمد.

زمانی که یکی از همسران متوجه شود که دیگری با او از در کژی و کژگویی وارد شده و حقایق را برای وی بیان نکرده است، ممکن است نسبت به زندگی مشترک و فرزندان دلسرد گردد و نتواند با درد بی اعتمادی، زندگی کند و اگر هم به ناچار مجبور به ادامه زندگی باشد، عاشقانه زندگی نخواهد کرد. ممکن است که او با دل شکسته و قلب رنجور به زندگی مشترک خویش ادامه دهد، اما همانند اسیری خواهد بود که چاره ای جز زندگی در اسارت ندارد! به یقین با خود خواهد اندیشید که چرا شریک زندگی اش، همسر نازنینش با او رو راست نبوده و پاسخ خوبی، زیبایی، یکرنگی، صداقت و راستی او را با دروغ و حقه داده است! اعتماد به سختی به دست می آید ولی به آسانی از دست می رود.

دربارة اثرات پرخير و برکت راستی و راست گویی، پیامبر ﷺ این چنین می فرماید: بر شما باد به راستی؛ که آن دری است از درهای بهشت.⁽¹⁾
کزی کردم بسی آشوب دیدم به جرم آن پریشانی کشیدم⁽²⁾

1- میزان الحکمه، ج 6، ص 2993، ح 10170.

2- سلمان ساوجی

2 - رفاقت

در ندامتگاه ها، شدیدترین مجازات، قراردادن مجرم در سلول انفرادی است این سخت ترین و شدیدترین شکنجه روحی روانی برای یک فرد است که اگر ادامه یابد، فرد دچار اختلالات روحی و روانی شده و حتی برای رهایی از این عذاب طاقت فرسا، ممکن است خودکشی کند. برای چنین فردی که مانند یک طوفان زده بر روی دریای خروشان، تنها آرزویش رسیدن به ساحل امید و رهایی از طوفان است، بودن در کنار دوستی است که روزها را با او به شب و شب ها را به صبح امید رساند.

از چه رو انسان از تنهایی و بی مونسی هراسان و لرزان است؟ به این دلیل که انسان موجودی اجتماعی است و خواهان برقراری ارتباط با دیگران و برخورداری از دوستانی با وفاست تا مونس تنهایی های او و غم خوار دردهای او باشند. از این روست که در برخی از روایات، از تنهایی و تنها به سر بردن و تنها غذاخوردن و به تنهایی در خانه خوابیدن، نهی شده است.

یکی از هزاران نتایج ازدواج، نجات و رهایی انسان از تنهایی و بی مونسی و یافتن دوست و همدم و همسری مهربان است.

گر در سفرم، تویی رفیق سفرم ور در حضرم، تویی انیس حضرم

(1)

1- ابوسعید ابوالخیر.

آن هنگام که مرد و زن با صد شور و شغف، حلقه ازدواج را که نشانه ای از یک پیوند آسمانی است، در انگشت یکدیگر قرار می دهند و دست خود را به نشانه عشق می آرایند، دوست مهربان و باصفایی برای خود یافته اند که هرگاه احساس غربت و بی کسی دلشان را ناآرام کند، با نگاهی به دست خویش، به آنها یادآوری می شود که تنها نیستند. آنها با نهادن عسل در کام یکدیگر، اولین رفتار عاشقانه را تقدیم هم می نمایند؛ و مانند دو پرندۀ عاشق، از گلستان هم بهره گرفته، با مهربانی یکدیگر را به دوستی ابدی فرا می خوانند. با گرفتن دستان یکدیگر و گره زدن دلهاشان به هم، چنین شاعرانه، دوستی و مهر و محبت و عشق خویش را به همدیگر بیان می نمایند.

زن و مرد پیوند آسمانی و رؤیایی زناشویی را به جان می خرد، تا رفیق سفر برای خود داشته باشد و در سفر دنیوی خویش احساس بی کسی و تنهایی، باعث عذاب روح او نشود.

اگر بعد از ازدواج همچنان احساس تنهایی گریبان انسان را رها نکند و دیگر از شور و عشق و مستی خبری نباشد، شاید این حال زار نشانه ای است که اصل طلایی رفاقت را به فراموشی سپرده شده است. نگاه فرد به همسرش نباید نگاه یک همسر به همسر باشد، بلکه باید دید یک دوست به دوست باشد، تا همسران عاشقانه به هم نگاه کنند. چه بسیارند همسرانی که چنین دیدگاه زیبا و شاعرانه ای را نسبت به یکدیگر ندارند و خود را از یک زندگی رؤیایی محروم ساخته اند. آنان هیچ گاه از کابوس تنهایی نجات نمی یابند. با پیاده کردن این قانون از قوانین آیین دلبری هرچه بیش تر و بهتر فضای خانه خود را از عطر خوش و ناب عشق آکنده سازید و جان تازه ای به زندگی خویش ببخشید!

هم انیس شب من باشی و هم مونس روز هم رفیق سفرم گردی و هم یار
حضر (1)

برای این که همسر خود را دوست خود بدانید، باید چشمانتان را بسته و دو
باره باز کنید و این بار گونه ای دیگر به او نگاه کنید. به او نه به دید همسر،
بلکه به دید دوستی نازنین و مهربان بنگرید. حال که از منظری جدید به او نگاه
کردید و او را دوست خود دانستید، می توانید با او یکدل و یک جان و هم زبان
شوید. زن و شوهر باید برای رسیدن به مقام رفاقت و دوستی، امتیازات و
کاستی های خود را نسبت به یکدیگر به فراموشی سپارند و هیچ کدام خود را
برتر از دیگری نداند. هیچ یک احساس حاکمیت نداشته باشند و میان آنها باید
سخن از رفاقت و دوستی و یکدلی و مهر و محبت باشد. در میان زن و شوهر
باید عشق، سالار باشد. راز دلبری، عشق سالاری را بهترین گزینه برای داشتن
یک زندگی

1- ایرج میرزا.

همسر عزیز ما، پربهاترین دارایی و سرمایه ما در این دنیا است. همیشه در کنار ما، یار و یاور، محرم رازها، شریک خوشی و ناخوشی، مهمان همیشگی خانه دل، همسفر ما و بهترین دوست ما است. اگر در حق همسرمان که گل زندگی می باشد، خطایی ناخودآگاه از ما سر زد، آیا نباید زانوی ادب بر زمین زده و سر به نشانه پشیمانی خم و زبان به عذرخواهی و دلجویی باز کنیم؟

پوزش خواهی و دلجویی از محبوب، نشانه بی باکی، دلاوی و شجاعت است. چرا که تنها دلیران هستند که می توانند نفس خود را واپس زده و لب به اعتراف خطای خود و پوزش طلبی باز نمایند. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شجاع ترین مردم را این چنین معرفی می فرماید: شجاع ترین مردم کسی است که بر هوای نفس خویش غالب آید. ⁽¹⁾

در زندگی دوستانه و عاشقانه با یگانه امید زندگی خود، شجاعت را منش و روش خود قرار دهیم و عیار وار با همسر خویش زندگی کنیم تا از نسیم روح نواز عشق، حتی برای لحظه ای، محروم نگردیم. انسان جازالخطا است. اما مهم جلوگیری از بروز خطا و اشتباه است. اگر ناخودآگاه دچار اشتباه گشتیم، پوزش خواهی و دلجویی را سخت و محال ندانیم. اگر از بد روزگار

1- . نهج الفصاحه، ص 279، ح 2571.

و از روی غفلت، خطایی در حق همسر خود دچار شدیم و دل پاکش را غمگین نمودیم، با شجاعت، غرور و خودخواهی، از وی دلجویی کنیم. از او پوزش بطلبیم و سر را به نشانه پشیمانی خم کرده، دست عزیزش را به نشانه دلجویی ببوسیم که بزرگترین خطاها نیز قابل بخشایش هستند. به یقین بخشیده می شویم.

به پوزش گفت ای ترک خطایی خطا کردم خطا کردم خطایی⁽¹⁾

ابن سینای زمان ما، فیلسوف بزرگ مشرق زمین، علامه جعفری در اولین و آخرین سوء تفاهمی که بین ایشان و همسرشان رخ داد و بگو مگویی میان آنها رد و بدل شد، جناب علامه ده دقیقه سکوت کردند و سپس به سوی همسر خود رفتند، پوزش طلبیدند و خم شدند و دست معشوق خویش را بوسیدند. اینکه فیلسوف بزرگ مشرق زمین خم می شود و دست همسر خود را می بوسد، نشان این است که رسم عشق و عاشقی و همسر داری در میان بزرگان و عالمان، محترم است و باید که از ایشان راه زندگی را آموخت.⁽²⁾

اگر من بشکنم آن مهر و پیمان به جز پوزش نمودن نیست درمان

(3)

1- سلمان ساوجی.

2- جاودان اندیشه، ص 220

3- فخرالدین اسعد گرگانی.

یکی از مظاهر شجاعت، تقدیم با ارزش ترین دارایی به کسی است که دوستش می داریم. حال چه چیزی ممکن است در زندگی ارزشمندترین برای ما باشد؟ آیا طلا، پول، ملک و مادیات ارزشمندترین چیزها هستند؟ یقیناً خیر. تقدیم عشق و قلب است که شجاعت می طلبد. تقدیم محبت، نشانه بی باکی و دلاوری است.

دلاوران از انجام هیچ کاری ترس و واهمه ندارند، هر چند سخت باشد. سخت ترین کار برای انسان، گذشتن از دارایی و اموال است و هرچه ارزش آن دارایی بیش تر باشد، دل کندن از آن و بخشیدن آن سخت تر خواهد بود. کم هستند کسانی که بتوانند شجاعانه از مال و ثروت خویش در گذرند. در برخورد با همسر خود، بی باکانه و شجاعانه، بدون ترس و واهمه، بالاترین و برترین سرمایه و دارایی خویش را که همان دل صاف و بی کران می باشد، به وی تقدیم داریم. این کار عاشقانه از جانب هر دو طرف همسران، آنها را در نظر هم جذاب تر و شجاع تر می نمایاند از این رو حضرت علی علیه السلام شجاع ترین مردم را بخشنده ترین آنها می داند. ⁽¹⁾

شما بالاترین ثروت و دارایی خویش را به همسرتان تقدیم نموده اید. این بالاترین متاعی است که می توانستید به همسرتان بخشید و هیچ کس جز شما توانایی بخشایش چنین گنج

1- میزان الحکمه، ج 6، ص 2679، ح 9164.

پربهایی را به همسرتان ندارد، بنابراین در دیدگاه همسرتان شما شجاعت
ترین فرد می باشید.

بذل و بخشایش عشق به همسر، راه به دست آوردن دل اوست. چرا که
ازدواج داد و ستد است: دل دادن و دل گرفتن، راستی کردن و راستی دیدن،
گذشت کردن و گذشت دیدن، یاری کردن و یاری دیدن، صبر کردن و صبوری
دیدن؛ و از همه مهم تر عشق ورزیدن و مورد عشق واقع شدن.

جز دل تنگ من ای مونس جان تنگ میسند دلی را که در او جا
جای تو نیست داری⁽¹⁾

1- شهریار.

4 - بخشایش

در زندگی هر زوجی ممکن است بگو مگو رخ داده باشد. این مسأله طبیعی است، زیرا انسان ها با هم در مواردی اختلاف عقیده و نظر دارند. تربیت ها متفاوت است و نگرش افراد نسبت به مسایل مختلف، متفاوت می باشد. اینکه زن و شوهر اختلاف نظر داشته باشند، امری عادی محسوب می شود. تنها زن و شوهر شیدا پیشه که هیچ گاه یکدیگر را مورد بی مهری قرار ندادند و دل یکدیگر را نیاززدند و همواره مستانه زندگی کردند، امیر بر حق، حضرت علی علیه السلام و همسر بزرگوارشان، حضرت فاطمه علیها السلام هستند.

گاهی در زندگی همسران کدورت و اختلافاتی رخ می دهد و در حق یکدیگر خطا و جفا می کنند. البته انسان جایزالخطاست و اینکه اساساً در واقعیت زندگی می کند، نه در رؤیاها. اگر همسران، کوتاهی یکدیگر را نبخشند، دیگر خانواده ای باقی نمی ماند.

همسر ما ارزشمندترین دارایی یعنی قلب بی کرانش را به ما هدیده داده است، ولی با تمامی محبت، عشق و علاقه ای که وجود دارد، امکان این که گاهی اوقات بنا بر دلایلی چون غم و اندوه، استرس، سوء تفاهم، غفلت و بسیاری مورد دیگر، متوجه رفتار ناپسند خویش نبوده، در حق او جفا کنیم، وجود دارد. در این مواقع باید عاشقانه از خطای هم درگذریم و پوزش یکدیگر را قبول نماییم. این راه و رسم دلبری است که باید بیاموزیم.

همسر عاشق، مانند مادر است. مادر، هر آنچه هم که فرزند در حقش جور و جفا کند، ذره ای از مهر و محبتش کم نمی شود؛ زمانی که فرزند بی به ناسپاسی

و بی وفایی خویش ببرد و به رسم دلجویی و عذرخواهی، بوسه ای بر دستان پر مهر مادر بزند، وی از خطا و جرم او در می گذرد. چرا که مادر عاشق است. اگر همسران نتوانند از خطای یکدیگر چشم پوشی کنند، این بدین معناست که یکدیگر را از مهر و محبت خویش محروم ساخته اند و باعث این احساس می گردند که عشق آنها به پایان رسیده است. عاشق از خطای معشوق در می گذرد، اگر چه دردناک باشد. این راه و رسم عشق و عاشقی است.

مشتاق توأم با همه جوری و محبوب منی با همه جرمی و
جفایایی خطایایی⁽¹⁾

همه می دانیم که انسان ترکیبی از خوبی ها و بدی هاست؛ و به هیچ رو مطلق نیست. گاه پیش می آید که انسان از روی غفلت، جفایی در حق دیگری مرتکب می شود و سپس پوزش می طلبد. رسم انسانیت، بخشایش است. این مسأله در میان همسران نیز رخ می دهد. ولی آنها باید بدانند که باغبان در حق گل خویش به عمد جفا نمی کند. اگر از اتفاق، خطایی از او سرزد، پس از فهمیدن خطای خود، دوباره از گل ها مراقبت کرده، دلجویی می کند و سرزندگی و شادابی را به وی باز می گراند.

1- سعدی.

البته درس عشق را باید از مکتب پروردگار بیاموزیم. او آنچنان عاشق
بندگان خویش است که اگر بزرگ ترین و بدترین جرم و خطایی از وی سرزند،
مهربانانه بنده عصیان گر را مورد مهر و بخشایش خویش قرار می دهد. پوزش
او را می پذیرد. چرا که او بندگان را بسیار دوست می دارد. چه زیبا می
فرماید خداوند بخشایش گر مهربان در مورد بخشایش: «پس گذشت کن،
گذشتی نیکو»⁽¹⁾ بخشودن، مهر و محبت و عشق و علاقه را در دل همسران صد
چندان می سازد. این رفتار عاشقانه، به دوست مهربان، محبوب باوفا و همسر
بی نظیر این مسأله را اثبات می کند که وی را دوست می دارید و دوستان می
توانند از جور و جفای دوستان خویش درگذرند. زن و شوهر در برخوردهای
دلجویانه از یکدیگر، دوستی و محبت خود را به هم نشان می دهند و شیرینی
گذشت از جانب طرفین، کامشان را شیرین می کند. با منش و روش قرار دادن
بخشایش، در هر زمانی آرامش از دست رفته، باز می گردد.

فطرت و کیش تو بخشایش و تویی آن کس که نکو فطرت و
فضل و هنر است نیکو کیشی⁽²⁾

1- حجر، آیه 85.

2- ادیب الممالک فراهانی.

البته پس از برقراری آرامش بر دل‌ها و محیط خانه، چه بهتر است که علت‌های گذشته، یادآوری نگردند. امام سجاد علیه السلام آیه «پس گذشت کن، گذشتی نیکو» را این چنین تفسیر می‌نماید: مقصود، گذشت بدون سرزنش است.⁽¹⁾

1- میزان الحکمه، ج 8، ص 3827، ص 13200.

5 - عیب پوشی

انسان از آغاز تاریخ مایل به پوشاندن جسم خود بوده است. وی در گذر زمان به اختراع پارچه دست یافت و لباس را به صورت امروزی برای پوشش خود ابداع کرد. لباس نه تنها عیوب انسان را می پوشاند، بلکه نازیبایی های او را تبدیل به زیبایی نموده، وقار و جلوه خاصی به او می بخشد. لباس زیبا، زیبایی را دو چندان می سازد و عشق را در دل عاشقان بیشتر می کند.

مانند گل ز جامه پدیدار می شود اندام روشن تو ز خوبی و نازکی

(1)

همه ما کاستی ها و نقص هایی در خود و رفتار خویش داریم که نمی خواهیم دیگران بدانند. از این روست که بیان عیوب و کاستی های دیگران، گناه بزرگ و نابخشودنی است. چرا که آبروی افراد با این عمل ناشایست از میان می رود و خجالت و غم و اندوه به جای می گذارد.

بعد از آفریدگار مهربان، تنها کسی که خیر از کاستی های ما دارد، همسر مهربان ما می باشد که در زندگی دوست و همراه ماست. دوستان آبرو و عزت و وقار دوست را از آن خود می دانند، همانگونه که بی آبرویی و سرشکستگی دوست را از آن خود می داند. شریک زندگی ما، بر کاستی ها و عیوب ما آگاه است و با

1- اوحدی مراغه ای

دانستن و شناختن این عیوب و نادیده گرفتن آنهاست که زن و مرد عشق را به یکدیگر ثابت می کنند. آنها می دانند که در کنار هم بودن، کاستی هایشان را جبران می کند و ایشان را کامل می سازد.

زن و مرد باید مانند لباسی زیبا و فاخر بر قامت یکدیگر، زشتی های یکدیگر را بیوشانند و زیبایی ها را صد چندان کنند. خالق زیبایی ها سفارش می کند که آبروی یکدیگر را حفظ کنیم و عیوب و زشتی های همدیگر را بیوشانیم: زنان شما لباس شما هستند و شما لباس آنان.⁽¹⁾

درین بساط کمالی چو عیت ز دوستان لباسی، قبا دریغ مدار⁽²⁾
پوششی نیست

ازدواج در پرتو عشق، مسیر تکامل روحانی را هموار می کند و راه سعادت را می نمایاند تا از گردنه های پرپیچ و خطرناک زندگی بتوان به سلامت به منزل مقصود رسید. دست در دست هم با کمک رفیق و همسر خویش، کاستی ها و نازیبایی های خود را چون کیمیاگران به زیبایی های خیره کننده تبدیل کنیم!

همسران عاشق، زیبایی ها و کمالات و خوبی های یکدیگر را نشان می دهند و با این رفتار عاشقانه، برای خود، آبرو، عزت، شکوه

1- . بقره، آیه 187.

2- صائب تبریزی

و وقار می خرنند. آنان نیک می دانند که آبرو و شکوه همسرشان، افتخار و عزت آنان نیز هست؛ و اگر عیوب همسرشان را برای اغیار بازگو نمایند، از وقار و شکوه خویش کاسته اند و همچنین یار مهربان خویش را غمگین و خجول ساخته اند و اینکه مقابله به مثل را برای طرف دیگر، ممکن کرده اند.

البته که هیچ کس به طور مطلق کامل نیست. آیا ممکن است تمام وجود کسی، زیبایی، حسن، کمال، شکوه و افتخار باشد؟ تنها گل بی عیت و خار، خداوند و چهارده معصوم می باشند. هر انسانی عیوبی دارد، همانگونه که کمال و زیبایی دارد. برای کمرنگ جلوه کردن عیوب پنهانی خود، عیوب همسر خود را نادیده بینگاریم! البته نادیده گرفتن عیوب همسر و پوشاندن آنها، به معنی گوشزد نمودن به وی نیست. زن و شوهری که از جان و دل یکدیگر را دوست دارند، خواهان پیشرفت و ترقی و سعادت و بهروزی و کامیابی یکدیگر نیز هستند. آنها باید به تصحیح عیوب و کاستی های یکدیگر، با کمک و یاری هم، نازیبایی ها را تبدیل به زیبایی و کمال و افتخار کنند. زن و شوهر بسان آینه اند. آینه زشتی و زیبایی را به یک اندازه نشان می دهد. اگر زن و شوهر عیوب یکدیگر را به هم گوشزد نکنند و برای برطرف نمودن آنها، کمک و یاری نرسانند، حق دوستی را به جا نیاورده اند. حضرت علی علیه السلام یکی از نشانه های دوست را این چنین بیان می فرماید: هر که عیوب تو را به تو نشان دهد، او دوست صمیمی توست و هر که آنها را از تو مخفی نگه دارد، او دشمن توست. ⁽¹⁾

البته گاهی بیان عیب ها برای برطرف کردن آنها، باعث دلخوری و ناراحتی می شود. بیان کاستی ها و زشتی ها، نیاز به هنر و مهارت دارد. برای در میان گذاشتن آنها باید شرایطی را رعایت کرد تا به طور کامل مورد قبول طرف مقابل

واقع شود. اول آنکه، قبل از بیان کاستی ها و عیوب همسرمان، زیبایی ها، خوبی و کمالات وی را عاشقانه برای وی بیان نموده، احساس خویش را از بودن در کنار چنین همسر نیکویی با کلامی مهربانانه بیان نماییم. باید در انتخاب مکان مناسب دقت شود. در هر مکان و محیطی نمی توان عیوب همسر را به وی گوشزد نمود. باید مکانی خلوت، آرام و عاشقانه برای این مهم انتخاب شود. خلوتی عاشقانه که تنها عشق، بعنوان نفر سوم در کنار همسران باشد. به عنوان نمونه اتاق خواب، مکانی است که شرایط آن در دست خود افراد است. نور اتاق خواب، درجه حرارت و نوای انتخابی آن را به گونه ای تنظیم کنید هرچه بیشتر محیط عاشقانه تر و زیباتر شود. در لباس پوشیدن و آراستن خود سلیقه به خرج دهید تا اثرگذاری پند و اندرز شما دو چندان شود.

1- میزان الحکمه، ج 9، ص 4223، ح 14688

زمانی را برای پند و اندرز و یاری رساندن به همسران انتخاب نمایید که او در بهترین حالت روحی و روانی و جسمی به سر برد و هیچ گونه اضطراب، ناراحتی و غم و درد در وی نباشد. یکی از بهترین زمان های پیشنهادی، هنگامی است که آتش عشق در وجود هر دو طرف شعله ور و از مهر و محبت لبریز شده باشد. در این حالت است که هر کسی آماده پذیرفتن پند و اندرز و ایجاد تغییر و تحول در رفتار است.

چگونگی بیان نمودن کاستی ها به طرف مقابل بسیار تعیین کننده است. بیان باید شیرین، دلنشین، جذاب، زیبا، آرامش بخش، محرمانه، عاشقانه، دوستانه و مشفقانه باشد؛ چرا که همه انسان ها شیفته گفتار نیکو هستند. اگر اندرز به نیکویی بیان نشود، به یقین اثری نخواهد داشت و در نتیجه تغییری در رفتار همسر مشاهده نخواهد شد. برای این که بهتر با نحوه بیان شیرین و شیوا و جذاب آشنا شوید، به کتاب راز دلبری مراجعه نمایید.

تا جایی که امکان دارد، از تکرار پند و اندرز بپرهیزید. چرا که انسان، فهمیم است و همیشه گفته اند: اگر در خانه کس است، یک حرف بس است! اگر نیاز به تکرار باشد، اجازه دهید مدت زمانی بگذرد و اگر تحولی مشاهده نشد، باز با همان شرایط گذشته، به یاری همسران ادامه دهید. البته برخی رفتارها، سال ها همراه شخص بوده اند و تغییر آنها گاهی مشکل است. بنابراین زمان کافی برای ایجاد تغییر و تحول را در نظر بگیرید.

6 - شکیبایی

ازدواج، پیوندی دو سویه و آسمانی است. یک سوی آن مردی دلباخته قرار دارد، چون فرهاد؛ در سوی دیگر آن زن دلربا که شیرین زندگی مشترک می باشد. زندگی، نامه ای رؤیایی و داستان خیالی نیست و قرار نیست کسی جز زن و مرد، قصه سرای این زندگی مستانه و پرشور و هیجان باشد. همانند شیرین و فرهاد، عاشقانه زیستن، آرزوی شیرین و زیبای هر زن و شوهری است که برای رسیدن به این آرزوی بزرگ راهی طولانی و دشوار در پیش دارند. نیک بختی، ساکن جاودان زندگی شما خواهد بود اگر شکیبایی، این اکسیر نجات بخش را به چنگ آورده و با خود همراه سازید. دختران و پسرانی هستند که با امید و شور و شغف در کنار یکدیگر پیوند مقدسشان را جشن گرفته اند و سرشار از عشق، زندگی مشترک خود را آغاز کرده اند؛ ولی افسوس که شور و شغف آنان دیری نپاییده و از بوستان سرسبز و باصفای زندگی آنان، جز خارستانی خشک چیزی باقی نمانده است و لباس سفید وصال آنان، به سیاه فراق تبدیل گردیده و سوگواری عشق نصیب آنان شده است.

مطابق آمار، طلاق در میان زوج های جوان، در سه سال اول ازدواج اتفاق می افتد. چرا اینگونه است؟ در ابتدای آشنایی و ازدواج، زن و شوهر، دو شخص متفاوت هستند با رفتار، آداب، اخلاق و خصوصیات ویژه خود. این فکر که همسر ما باید کاملاً دارای ابعاد شخصیتی شایسته و پسندیده باشد، تفکری محال و دست نیافتنی است. چرا که هیچ کسی کامل نیست. ولی می توان با

شکیبایی، به آشنایی کامل دست یافت و در پناه این آشنایی، عیوب و تقایص خود و دیگری را برطرف نمود.

برس به کارها به شکیبایی زیرا که نصرت است شکیبا را⁽¹⁾
برخی افراد چنان با رفتار و آداب و اخلاق خویش خو کرده اند که اگر با رقت امیدشان، فروغ زندگی شان، ستاره سحری شان، مهتاب شب هایشان، یگانه عشقشان، نازنین همسرشان، از آنان بخواهد که آن دسته از خصوصیات خود را که نتیجه ای جز سرشکستگی و سرافکندگی برای آنان و زندگی شان ندارد، به کناری نهاده و به جای آنها آداب و اخلاق و عادات و رفتار زیبا و پسندیده ای را که افتخار و عزت و شکوه و جلال و آبرو را برای آنان و همسر و فرزندانشان به ارمغان می آورد، برگزینند، برایشان سخت است که خواسته دوستانه همسرشان را اجابت نمایند. چرا که انسان های بزرگی که با اراده آهنین یک شبه ره صدساله بیمایند، نادرند.

باید دانست که شکیبایی نداشتن برای ترک آداب و رفتار ناپسند همسر و ندادن زمان کافی به وی برای تحول ناگهانی، اختلاف، کدورت، درگیری و در نهایت تباهی زندگی را به دنبال دارد. درباره این که شکیبایی راه نجات است و بی تابی راه بلا، امام علی علیه السلام این چنین

1- ناصر خسرو.

در این باره امام علی علیه السلام چنین می فرماید: شکبیا، پیروزی را از دست نمی دهد، هر چند زمان درازی چشم به راه بماند. ⁽¹⁾

انسان، خواهان پیشرفت و سعادت و بهروزی است و از آداب و اخلاق و رسوم و رفتار ناشایست خود رنج می برد و همواره خواستار تحول می باشد؛ ولی چون با ویژگی های شخصیتی خویش خو کرده است، برای ایجاد تغییر و تحول در خود، نیاز به همراهی یاوری باوفا و صبور و شکبیا دارد تا با یاری و همراهی وی، راه سعادت را ببیماید؛ و چه دوست و یاور و همراهی بهتر و مهربان تر و باوفا تر و صبورتر از همسر.

همسران دست نیاز به سوی شما بلند کرده است تا یاری اش رسانید و به کمک یکدیگر، خود را از ویژگی های شخصیتی ناپسند نجات دهید. به هم یاری کنید تا از خارستان، نارنجستانی زیبا و با صفا سازید و همگان را به تحسین و همسران را به تمجید و قدردانی وا دارید و چنین عشق بی حد خود را به یگانه عشقتان ثابت نمایید. تنها عشاق حقیقی هستند که خواهان بهروزی و کامیابی معشوق می باشند.

نیست عاشق را دوایی بهتر از گر بود دانا، چنین دانم همی
صبر و شکبیا فرمایندش ⁽²⁾

1- فرهنگ آفتاب، ج 7، ص 3497.

2- امید خسرو دهلوی

7 - وفاداری

جلسه خواستگاری، جلسه ای رؤیایی برای آشنایی است. آشنایی با دوستی که رفیق نیمه راه نباشد؛ و در خوشی‌ها و ناخوشی‌ها، مانند پروانه در کنار شمع وجود ما بماند.

اگر رفیق شفیقی درست پیمان حریف خانه و گرمابه و گلستان
بش بش⁽¹⁾

در اولین روزهای آشنایی، زن و مرد از آمال و آرزوهای خود برای یکدیگر سخن می‌گویند. اینکه چه تصور ذهنی‌ای از همسر آینده خود دارند و چه انتظاراتی برای پیشبرد زندگی مشترک دارند. از مسایلی که ایشان را ناراحت و یا خرسند می‌سازد، سخن می‌گویند و البته در نهان آرزو می‌کنند که همسر آینده‌شان راز دلبری بداند و آیین دلبری به کار بندد و با رفتار خویش، عشق بیافریند و قلب همسر خویش را مالا مال از عشق و مهر و محبت سازد.

آن هنگام که جریان آشنایی به عطر محبت و نور عشق، منور و مزین می‌شود و در دل صاف و آسمانی آنان شور عشق به پا می‌گردد، زن و مرد سرمست از شور عشق، عهد می‌بندند که عهد و پیمان‌های خود را فراموش نکنند؛ و این چنین است که عشق پا به عرصه وجود می‌نهد. عهد زناشویی، عهد یکی شدن و کنار نهادن خواسته‌های شخصی و در نظر گرفتن خواسته‌های مشترک است. عهد با هم بودن است، تا هر زمانی که دست روزگار اجازه فرماید.

1- حافظ.

عهد راستی و راست گویی و پرهیز از کثری و کژگویی و چون دو دوست
مهربان در کنار هم بودن است. عهد دلیر بودن و اعتراف به اشتباهات و خطاها و
جفاها و چشم پوشی از خطاها و جفاها است. عهد پرده داری و دوری از پرده
دری و حفظ آبروی یکدیگر است. عهد صبر و شکیبایی و صبور بودن است.
عهد رازداری و مجرم اسرار بودن است. عهد دریغ نکردن احساسات و عواطف
عاشقانه است. عهد رعایت انصاف و با عدل و داد با همدیگر رفتار نمودن است.
عهد همدیگر را بهترین و برترین و والاترین دانستن است. عهد شریک بودن در
خوشی ها و ناخوشی ها است. عهد حمایت همه جانبه و برآوردن نیازها و
خواسته های یکدیگر است. عهد برداشتن عینک بدبینی و خوش بین بودن به
همدیگر است. عهد یکدیگر را اولویت اولیه زندگی دانستن و ایثار و از
خودگذشتگی است. عهد ایجاد جذابیت و کشش است. عهد مدارا نمودن و
انعطاف پذیری در برخورد با یکدیگر است. عهد با وفا بودن به تمامی عهد ها و
پیمان ها است. حضرت علی علیه السلام درباره دروغ بودن ادعای دوستی کسی که به
عهد و پیمان های خویش وفادار نیست، چنین می فرماید: به دوستی کسی که
به عهد و پیمان خود وفادار نیست، اعتماد مکن. ⁽¹⁾

کسی که به عهد و پیمان هایی که با همسر خویش بسته است،

1- میزان الحکمه، ج 14، ص 696، ح 22290.

بی تفاوت باشد و راه بی وفایی در پیش گیرد، همسرش حق دارد که نسبت به ادعای دوستی و مهر و محبت و عشق وی شک کند. مهم است که عهد و پیمان های خود را فراموش نکنیم. زیرا با کسی پیمان بسته ایم که قرار است یک عمر رفیق و همراه و همکار و یار و مشاور و همسر دلبنده ما باشد. کسی که آرزوی همیشگی ما با او بودن است. بدانیم که فراموشی، همانا به انتها رسیدن دوستی و عشق و مهر و محبت است. چه زشت است پیمان شکنی و بی وفایی با یگانه نازنین دلبرمان! و چه زیبا می فرماید اسوه عاشقان، امام علی علیه السلام: چه زشت است بی وفایی پس از دوستی.⁽¹⁾

ترک عاشق کش من، ترک جفا به وفا کوش که از دوست وفا
خوش باشد خوش باشد⁽²⁾

پیمان زناشویی، دوسویه است و باید هر دو طرف به پیمان های خویش وفادار بمانند. چگونه می توان از همسر خود انتظار وفای به عهد و پیمان داشت، در حالیکه خود به آنها پایبند نباشیم؟ درباره وفای به عهد، به یکدیگر امنیت خاطر بدهیم. نیاز به امنیت، نیازی اساسی است و در فقدان آن، آرامش و شادی از زندگی پر می کشد. امنیت عاطفی و روحی، درگرو اثبات وفاداری است.

دست در دست یگانه محبوب، تمام هستی خود را فدای

1- معارف و معاریف، ج 10، ص 348

2- امیر خسرو دهلوی.

یکدیگر می‌کنیم، به امید وفاداری و افزایش اعتماد ما به یکدیگر. حال اگر همسری به عهد و پیمان‌های خویش وفادار نماند، چگونه همسرش می‌تواند به وی اعتماد کند؟ چگونه می‌تواند به دوستی وی و عشق و مهر و محبت وی و این که هیچ‌گاه او را رها نخواهد ساخت و جز او کسی را مهمان دل خویش نخواهند ساخت، اعتماد کند؟ در چنین حالتی کنار چنین همسر بی‌وفایی بودن، احساس ناامنی، ترس، دلهره، اضطراب را بر تمام وجود شخص مستولی می‌کند. با وفاداری به عهد و پیمان‌ها، آرامش و شادی را ساکن کلبه مستانه خویش سازیم!

چون در جفات بمیرم، بخوانی بر آستان تو از خون دیده حرف
آنچه نوشته‌ام وف_____ را⁽¹⁾

1- امیر خسرو دهلوی

8 - ایجاد تعادل میان همسر و دیگر عزیزان

یکی بود و یکی نبود. خداوند دانا اراده نمود که ما پا بر این کره خاکی نهیم؛ و ما را در دامان پر مهر مادری دلسوز و در سایه پدری فداکار قرارداد. پدر و مادر، از دل و جان تمام نیازهای جسمی و روحی ما را برآورده ساختند؛ و چون آفریدگار حکیم، نیاز به مونس و هم بازی را در ما دید، به ما خواهر و برادری عطا نمود تا در بازی های کودکانه خویش تنها نمانیم و در آینده، یار و یابوری مهربان در کنار داشته باشیم. فصل ها و سال ها یکی پس از دیگری آمدند و رفتند و ما بالغ شدیم. در این هنگام، مالک زمین و آسمان، برای آرامش روح و روان و سلامت جسم و جان و نیاز ما به دوست داشتن و دوست داشته شدن، از سر لطف، به ما همسری مهربان و باوفا هدیه نمود تا در کنار وی عشق را بیاموزیم و لذت خوش زندگی را بچشیم؛ و حال ماییم و این همه لطف و احسان آفریدگار مهربان!

ما در میان گلستانی مملو از گل های زیبا و رنگارنگ قرار گرفته ایم و به هر طرف که بنگریم زیبایی های غیر قابل بیان می یابیم و نمی توان گفت که کدام گل زیبا تر و لطیف تر و خوشبو تر است. چرا که هر گل رنگ و بویی خاص دارد: پدر، تاج سر، افتخار، آبرو، تکیه گاه و مددکار ماست. مادر، قوت قلب و نور دیده و آسایش

جان ماست. همسر، یاری باوفا و یابوری مهربان و مونس تنهایی ماست. برادر و خواهر، دوست و شریک غم و شادی و یادگار دوران خوش کودکی ما هستند. حال این عزیزان مانند سیاره های کهکشان زندگی ما هستند و ما خورشید این مجموعه ایم. خورشید باید برای تمام سیاره ها پرتو افشانی کند و

همه را از نور پر مهر و محبت خویش بهره مند سازد. پدر، مادر، همسر، برادر، خواهر، همگان به مهر، محبت، عشق، دوستی، احترام، حمایت، یاری، مشاوره، و دلسوزی ما نیاز دارند و این حق ما است که از مهر و محبت ستارگان پر فروغ زندگی خود بهره مند گردیم، همانگونه که بهره مندی آنان از مهر و محبت ما حق طبیعی آنان است.

پدر و مادر، جوانی خویش را فدای ما کرده اند و همسر، بالاترین هستی خویش یعنی قلب بی کرائش را نثار ما ساخته و برادر و خواهر، هیچ گاه ما را از حمایت خویش بی بهره نساخته اند. آنها دوستان و دوستدار ما هستند، ما نیز. ولی افسوس که انسان فراموش کار و ناسپاس است.

برخی افراد، از زمانی که به همسر خود دل می بندند و گرمای عشق را می چشند، دوستی ها و دوستان گذشته خود را به ورطه فراموشی می سپارند. آنها کودکی خود را که ناتوان بودند، فراموش می کنند. آن زمان که چون نهالی ضعیف و شکننده بودند و پدر و مادر، خود را عاشقانه سپر طوفان های پربلای روزگار نمودند، ملالت ها و سختی ها کشیدند و هر آنچه آنها بزرگ تر شدند، پدر و مادر فرسوده تر و خمیده تر شدند. گروهی دیگر، مهر، محبت، عشق، ایثار و وفاداری همسر خویش را هیچ گاه نمی بینند. آنها مانند ماهی هستند که در آب شناور است و از آن بهره می برد، اما افسوس که هیچ گاه آب را نمی بیند. آنگاه که دست روزگار آنان را از یارشان جدا می سازد، تازه متوجه می شوند که چه دوست مهربانی را از دست داده اند.

این دو گروه محکوم به تنهایی و بی کسی می باشند. چرا که آنان متوجه این مهم نشده اند که همانگونه که خانواده، عزیز و گرانقدر می باشند، همسر نیز

عزیز و پربها است؛ و هر اندازه که همسر نور چشم و قوت قلب و آرامش بخش جان است، پدر و مادر و برادر و خواهر نیز یار و یاور و غم خوار و پشتیبان ما هستند. این دو گروه، هم دوستی خانواده پدری خویش را از دست می دهند و هم دوستی همسرشان را؛ و هیچ یک از عزیزانشان از دست ایشان خشنود و خرسند نمی گردند. زیرا میانه رو و معتدل نیستند و نمی توانند بین همسر و دیگر عزیزانشان، تعادل ایجاد کنند. درباره اهمیت میانه روی و ایجاد تعادل، حضرت علی علیه السلام چنین می فرمایند: نادان را تندرو یا کندرو می بینی. ⁽¹⁾

1- نهج البلاغه، ص 639، ح 70.

انسان میانه رو و معتدل، هم جایگاه و احترام پدر و مادر را می شناسد و هم به جایگاه و منزلت همسر خویش آگاه است؛ و هم جایگاه و موقعیت برادر و خواهر را به خوبی درک می کند و حق و حقوق هر کدام از عزیزانش را به خوبی ادا می کند و می داند که هر گلی رنگ و بویی دارد و انسان هنرمند و عاشق، می باید از عطر و رنگ و بوی همه این گل های زیبای زندگی اش بهره مند گردد. در این صورت است که نور مهر و محبت وی، به همه افراد خانواده اش می تابد و همه آنها از وی خرسند و خشنود می باشند و میان ایشان صلح و دوستی برقرار می گردد. انسان میانه رو می داند که هر کدام از عزیزانش جایگاه و مقام و منزلت و شأن خاص خودش را دارد و نباید جایگاه هیچ کدام را به دیگری واگذار نماید.

راه اوسط شو که شد خیرالامور تا رهی از دوزخ پر شر و شور⁽¹⁾

1 - اسیری لاهیجی.

9 - رازداری

گنجایش سینه انسان محدود است و تاب تحمل درد و اندوه بسیار ندارد. برخی از غم و غصه ها آنقدر دردناکند که سینه انسان را بسان آتشفشان، خروشان و جوشان می کنند. چنانکه سینه، دیگر تاب در خود نگهداشتن اندوه دردناک و کشنده را نداشته باشد، شخص مانند تشنه ای در کویر سوزان می شود که ملتمسانه به هر سو خیره است تا شاید جرعه ی آبی هر چند ناچیز بیابد و تشنگی خود را برطرف نماید. در این حال به پیرامون خویش خوب می نگرد تا شاید یار امینی بیابد و عقده دل بگشاید و لطف و رحمت و احسان وی همانند باران سینه تفدیده اش ما را سرد و آرام سازد. یکی از دلایل ازدواج این است که دیگر گرفتار بیابان بی کسی نشویم و برای لحظه های تنهایی خویش مونس داشته باشیم. کسی که رازدار و محرم اسرار ما باشد. اسراری که گاهی نفس کشیدن را سخت و دشوار می سازد. ازدواج، یافتن یاری مهربان برای شریک شدن رازهاست.

از برای انس جان، اندر میان انس یک رفیق هم سرشت و هم دم و
و جـــــان هم درد کـــــو⁽¹⁾

1- سنایی عزنوی.

ازدواج می کنیم تا هر آنگاه که طوفان بلا، زندگی پر فروغ و روشن ما را مانند شب، تیره و تار نمود و ما را از ادامه بقا ناامید ساخت، چون بلبلی شیدا خود را به گل زندگی مان برسانیم تا او بسان عاشقی شیفته، ما را از لطف و احسان خویش بهره مند سازد و گوش جان به کلام ما سپارد و ما را از غم و اندوه نجات بخشد و با نوازش ساحرانه و کلام طیبیانه مرهمی بر دردهایمان بگذارد.

مُهر از زبان بر می داریم و صندوقچه اسرار دل می گشاییم و با محبوب خویش سخن می گوئیم تا از کابوس های شبانه و ملالت های روزانه رهایی یابیم. سِرّ خویش نزد همسرمان فاش می سازیم، تا روزگاری که برای ما سخت و تلخ گردیده است، و شیرین شود. پرده از اسرار درون کنار می زنیم تا بیشتر شاهد سپید شدن خرمن وجودمان و به تاراج رفتن عمرمان نباشیم. با همسر شوریده حال خود از؛ خویش سخن می گوئیم تا آرامش، این عطیه گران بهای الهی را بازیابیم و انتظار داریم که نگار ما به کلام ما گوش بسپارد تا باری از دوشمان بردارد و از غم و اندوه ما بکاهد. لطفی که از هر عاشقی انتظار می رود.

حق مرا گفت تو را لطفی دهم بر سر آن زخم ها مرهم نهم⁽¹⁾

1- مثنوی معنوی.

حال که همسرمان ما را محرم اسرار و یگانه طیب دل خویش شناخته و برای شفای جسم و جان به ما پناه آورده است، اگر خواستاریم که این تمنای وی ابدی باشد و برای همیشه یگانه محرم او باشیم، رسم امانت داری و رازداری را به جا بیاوریم. در این باره امام علی علیه السلام می فرماید: رازداری، اساس راز سپردن است.⁽¹⁾

دلداده ما، ما را امین و رازدار دانسته و سرّ خویش را برملا ساخته است. او اگر دیگری را امین و محرم می دانست، به وی مراجعه می کرد. پس این کمال بی وفایی است که راز همسر خود را برای اغیار برملا سازیم. گذر زمان رسوا کننده همسران بی وفا و برملا کننده بی وفایی همسران است. اگر امروز اسرار همسر خویش را که به امانت در نزد ما نهاده است، برای دیگران بازگو نماییم، روزی خواهد رسید که او متوجه این بی مهری می شود. در آن روز چه باید به او گفت و چگونه می توان در چشمان وی نگاه کرد؟

اگر امروز برای دوست خویش، لب به آشکار کردن راز همسران باز می کنید و سر او را فاش می سازید، بدانید فردایی خواهد آمد که دوست دیروز، دشمن امروز می شود. در آن روز، ممکن است برای انتقام، اسرار شما را نزد دیگران فاش سازد. آنگاه است که شکوه، عزت، وقار و آبروی شما و همسر و فرزندان و

1- غررالحکم، ص 38، ح 403.

زندگی تان به تاراج می رود. آنگاه شما می مانید و یک جفای بزرگ؛ و عاشقی دلشکسته که دلش از بی مهری شما آنچنان پر سوز و گداز گردیده است که اگر آن را در دریا قرار دهند، آب دریا را به جوش و خروش وا می دارد!

آرزوی هر همسر عاشق پیشه ای این است که وجود همسرش، همیشه همراه با آرامش و به دور از استرس و اضطراب و هیجانات و فشارهای عصبی باشد. برای رسیدن به این آرزو باید رازدار خوب و امینی بود. تا هرگاه که در اثر فشارهای عصبی، استرس و اضطراب، وجود فرد را فرا گرفت، وی به نزد همسر و محرم خود بشتابد و از غم و اندوهی که وجود آرام وی را متلاطم ساخته و دریای آرام وجودش را طوفانی نموده است، با وی صحبت کند و راز دل خویش بگوید و به آرامش دست یابد. این بزرگ ترین لطف و احسانی است که می توان در حق همسر خود انجام داد و این بهترین و برترین هدیه ای است که می توان برای وی تهیه کرد. آرامشی که هیچ چیز همانند آن برای وجود انسان لازم و ضروری نیست.

اگر رازی نهان در پرده داری بگو با من چرا دل مرده داری⁽¹⁾

1 - عطار نیشابوری.

10 - بیان احساسات، خواسته ها و گلایه ها

عزیزم، همسرم، دوست دارم . تو خوب می دانی که زندگی بی تو برایم
معنایی ندارد.

تو همیشه در تنهایی من آن تک ستاره ای که برای من نغمه عشق سر می
دهی.

یار من، در کنار تو آرامش را یافتم و لذت عشق را چشیدم.

مرده بدم زنده شدم، گریه بدم دولت عشق آمد و من دولت
خنـده شـدم پاینده شده شدم⁽¹⁾

هرگاه که دست روزگار زندگی را بر من سخت و دشوار می سازد و من
احساس می کنم دیگر توانایی حرکت و رسیدن به قله پیشرفت و بهروزی را
ندارم، این نگاه های پر کشش و جذاب توست که چون با رقه ای نور امید را
در دل من روشن می سازد و عزمی نو به من می بخشد.

دلبر و دلربایم، اگر تمام مردم دنیا مرا رها سازند من احساس بی کسی و
تنهایی نخواهم کرد، آخر چون تو مهربانی در بردارم.

در شادی‌ها و جوش و خروشهای من این تو هستی که با همراهی خویش
بزم جانانه مرا جانی نو می‌بخشی و با وجود نورانی و معطر خویش کلبه مرا با
صفا می‌سازی.

در غمها و دردها این تو هستی که چون دوستی با وفا دست من

1 - مولانا

افتاده را می گیری و دوان دوان مرا از سرزمین سیاه غم بیرون و به

سرزمین نور و شادی می بری.

رسم مردم دنیا بر این است که از برای افتخار و شکوه و عزت

خویش به کسی می نازند و من تنها به تو می نازم.

گر زانکه گدا گشتم بی برگ و بر جمله شهنشاهان از عشق تو

نوا گشتم می نازم⁽¹⁾

همسر من، یار من، دوست من، روزی هزاران هزار بار آن

آفریدگار مهربانی را که تو زیباترین را قسمت من نمود سپاس

می گویم. بسیار خوب است که انسان احساسات دل انگیز خود را

نسبت به همسر نازنینش بیان نماید و دلدادگی خویش را به او ثابت

امر به این رفتار عاشقانه می کند و این چنین کند. پیامبر ﷺ

می فرماید: چون کسی را دوست می دارید، به او بگویید که دوستش

دارید که این کار، دوستی را پایدار و محبت را پابرجا می سازد.⁽²⁾

خواسته های خود را دلسوزانه و مشفقانه برای همسران به صورت دلپذیر
بیان نمایید او حتماً خواسته های شما را اجابت می نماید. چرا که او دلبسته و
شیفته و شیدا و عاشق شماست!

وا فریادا ز عشق وا فریادا کارم به یکی طرفه نگار افتادا

گر داد من شکسته دادا دادا ورنه من و عشق هرچه بادا بادا

(3)

1- اسیری لاهیجی.

2- نهج الفصاحه، ص 220، ح 19

3- ابوسعید ابوالخیر

همچنین گله و شکایت و نارضایتی خود را نسبت به آن دسته از

کارها و رفتارهای همسران که سبب رنجش شما می شود، با کلامی
دلنشین و عاشقانه و دوستانه بیان نمایید! او به عشق شما تلاش
خواهد نمود که دیگر باعث ناراحتی شما نشود. چرا که او دوست

دارد شما را همیشه غرق شادی و سرور ببیند. در این باره حضرت
می فرماید: گله کردن کردن، مایه حیات دوستی است.⁽¹⁾

1- میزان الحکمه، ج 1، ص 69، ح 174.

11 - برابر دانستن همسر با خود

ازدواج یعنی خود را تنها ندیدن و در کنار یار دیدن. یعنی اینکه علاوه بر خواسته های خود، خواسته و نیاز همسر مهربان را نیز مهم بشماریم. ازدواج یعنی برداشتن تابلوی «من» از سر در خانه و نصب تابلوی «ما» بر سر در گلخانه. ازدواج یعنی بهره مندی از لذت ها و خوشی ها برای هر دو و غم و اندوه و تلخی برای هیچ کدام. ازدواج یعنی پیشرفت و بهروزی و موفقیت برای هر دو و شکست و سیه روزی برای هیچ کدام. ازدواج یعنی فرار از تنهایی و پناه بردن به یکدیگر و در کنار هم بودن. یعنی هر چه برای خود می پسندی، برای همسرت نیز بیسند.

به کس میسند رنجی کز برای به دوش کس منه باری که خود
خویش نپسندی بگردنش نتوانی⁽¹⁾

همانگونه که مرد از پیمان ازدواج حق دارد و باید از آن بهره مند شود، زن نیز حق دارد و باید از لذت ها و امتیازات این عهدنامه دوستی بهره مند گردد؛ وگرنه این پیمان عشق و دوستی فرو ریخته دوستی به پایان می رسد.

زن و مرد یادشان باشد که فراموششان نشود که رفیقان راه زندگی هستند و باید در خوشی ها و لذت ها و ناخوشی ها و

1- پروین اعتصامی.

تلخی ها در کنار هم بمانند . آنها با دنیایی از آرزوهای رنگارنگ و زیبا و دلپذیر دست به دست هم داده اند، به امید آنکه یکدیگر را در راه رسیدن به قله های ترقی و پیشرفت، یاری رسانند. در گذشته مردان بر زنان حاکم بودند و بر ایشان جفا می کردند. امروز نیز در روزگار ما، زنان اشتباه قدیم را تکرار می کنند و امیدواریم که نه مرد سالاری باشد و نه زن سالاری؛ و تنها مکتب حاکم بر زندگی زناشویی عشق باشد . مرد و زنی که عشق را حاکم بر زندگی مشترک خویش نمایند، خوشبخت هستند . خانه آنها گلخانه ای پاک و با صفا است . عشق، بهترین امیر برای سرزمین مهر و دوستی همسران می باشد. عشق به عنوان امیر عادل و دادگر، حکم می نماید که هر آنچه برای خود می خواهی و می پسندی، برای نازنین همسرت نیز خواهان و خواستار باش . عشق حکم می کند که اگر خوشی و لذتی هست، باید برای هر دو طرف باشد، همانگونه

که اگر تلخی و رنجی باشد، هر دو باید در کنار هم رنج و تلخی را از راه خود بردارند.

هر چه نپسندی تو آن بر خویشتن بر کسی مپسند و بشنو این سخن
(1)

آرزوی هر کسی دست یافتن به بهروزی و کامیابی و ایستادن بر قله پرافتخار موفقیت است . این آرزوی هر انسانی است و همسر ما هم خواهان رسیدن به چنین شادی و افتخاری است . پس همانگونه که او ما را برای دست یابی به این آرزو یاری می رساند و از

هیچ گونه حمایت و یاری کوتاهی نمی نماید، ما نیز رسم دوستی و مهر و وفا به جا آورده، او را برای رسیدن به بهروزی و پیروزی یاری کنیم. این کمترین کاری است که دوست برای دوست خود انجام می دهد.

مکتب عشق خودخواهی را بر نمی تابد. اگر قرار باشد تنها به خود و خواسته ها و آرزوها و نیازهای خویش بیندیشیم و خواسته ها و آرزوها و نیازهای همسرمان برای ما مهم نباشد،

سرانجام پیمان عاشقانه ما چه خواهد شد؟ آنگاه که فرد به عدل و داد و رعایت انصاف با همسر رفتار نماید و خواسته ها و آرزوها و نیازهای وی برایش مهم جلوه کند و بهره مندی وی را از لذت ها، خوشی ها، پیشرفت ها، امتیازات و تمامی بهره های پیمان مشترک، حق او بداند، عشق را شناخته و آن را به همسر خویش نشان داده است و برای همیشه پیمان ازدواج خود را از گزند طوفان بلا حفظ نموده، خود و همسر و فرزندان را از نعمت سرشار زندگی سرخوش و لذت بخش بهره مند ساخته است. حضرت علی ع

می فرماید: انصاف داشتن، محبت و دوستی را دوام می بخشد.⁽¹⁾

نگارا عزم آن دارم که جان در به بوسه از لب شیرین تو انصاف

پایست افشانم بس_____تانم⁽²⁾

1- میزان الحکمه، ج 13، ص 6307، ح 20197.

2- امیر خسرو دهلوی

12 - همسر شما برای شما بهترین است.

آن هنگام که دختر و پسر به رشد کافی برای پذیرش مسئولیت سنگین و مهم زناشویی می‌رسند و نیاز به همدم و رهایی از تنهایی را در خود می‌یابند، تلاش می‌کنند تا همسری ایده آل برای خود بیابند و در کنار وی خوشبخت شوند. هر کسی در ذهن خود، تصویری از همسر ایده آل دارد؛ و بر طبق آن تصویرهای ذهنی است که مرد و زن یکدیگر را می‌یابند و با یکدیگر ازدواج می‌کنند.

پس از انتخاب همسر و پیمان ازدواج، زن و مرد باید توجه خود را به یکدیگر مبدول دارند و از توجه به زنان و مردان دیگر بپرهیزند. البته، توجه به دیگران به معنای بی‌وفایی نیست، بلکه به این معناست که آنها باید یکدیگر را بهترین و برترین انتخاب خود بدانند و از مقایسه همسر خویش با زنان و مردان دیگر بپرهیزند.

مرا روی تو ای نازنین نگار به دی ماه بسی خوشتر از نوبهار

(1)

بعد از ازدواج، زن و مرد حق ندارد به کسی غیر از همسر دلربایشان بیندیشد
و در برابر او از اغیار سخنی بر زبان رانند. کسانی که از روی فکر و عشق
همسر برمی‌گزینند، به انتخاب خویش احترام می‌گذارند و عاشقانه با محبوب
خویش زندگی می‌کنند. آنها از مقایسه نمودن همسر خویش با دیگران
خودداری

1 - مسعود سعد سلمان

می کنند. برای آنها زیباترین، بهترین و برترین شخص همسر است. زیرا ایشان عاشق هستند. در مورد اثر عشق در زندگی زناشویی، حضرت علی علیه السلام می فرماید: چشم عاشق از دیدن عیب های معشوق کور است و گوش او از شنیدن زشتی هایش کر است. ⁽¹⁾

روی خود را مگو شریک مه در نکویی که لاشریک له است ⁽²⁾
است

کسی که همسرش را با دیگران مقایسه می نمایند، خود را برای همیشه گرفتار رنج و عذاب بی پایان کرده است. امام علی علیه السلام می فرماید: کسی که به قسمت خویش خشنود باشد، اندوهگین نشود. ⁽³⁾

آیا ظاهر افراد دلیل خوبی برای مقایسه است؟ ظاهر فرد نشان دهنده تمام خصوصیات او نیست. چه بسا اگر نهان کسی آشکار گردد، از جان و دل خداوند را سپاس نمایید که با چنین شخصی آشنا هم نیستید!
آیا کسی که به ظاهر افراد توجه دارد و معیارش ظاهری است، پیدا و پنهان خود را کامل و پاک و زیبا می داند؟ چگونه انسان که بالطبع کاستی هایی دارد، انتظار دارد همسرش بی عیب و نقص باشد؟

1- میزان الحکمه، ج 2، ص 937، ح 3067.

2- عبدالرحمن جامی.

3- میزان الحکمه، ج 10، ص 5057، ح 17164.

13 - شراکت

پیش از ازدواج، من، من هستم و او، اوست. ثروت من علم من، زیبایی من، پدر و مادر من، برادر و خواهر من، خوشی من، غم و اندوه من، آرزوهای من، کامیابی و بهروزی من. همه و همه از آن من و مال من است و او نیز این چنین می باشد. پس از ازدواج اما، «من» بی معنا می شود. چرا که از مجموع دو «من»، «ما» حاصل می شود. «ما» دیگر از هم جدا نیستند و آنچنان در عشق و مهر و محبت یکدیگر غرقند که فقط کالدهای جسمانی آنها از یکدیگر جداست، ولی یک روح در وجود «ما» به سر می برد. حضرت علی علیه السلام درباره یکی شدن می فرماید: دوستان یک روحند، در چند پیکر.⁽¹⁾

هر دو یک قبله و خروشان دو هر دو یک روح و کالبدشان دو⁽²⁾

ازدواج پیمانی الهی با شریکی امین و باوفا است. کسی که خیانت نورزد و راه بی وفایی در پیش نگیرد. کسی که ازدواج می کند باید رسم شراکت و شریک داری را بداند. آموختن رسم

1- میزان الحکمه، ج 6، ص 309، ح 10218.

2- سنایی غزنوی.

این پیمان آسمانی را بر عهده گیرند و تمام تلاش خود را برای رسیدن به آرزوهای مشترک به کار بندند.

در فرهنگ اسلامی، که فرهنگی مبتنی بر حقایق خلقت و نیازهای اساسی و واقعی زن و مرد است، مسئولیت های هر یک از زن و مرد چنین بیان شده است که مسئولیت بیرون از خانه و کسب و کار و به دست آوردن پول و سرمایه و تأمین تمام نیازهای جسمانی و روحانی اهل خانه، همچون خورد و خوراک، پوشاک، مسکن، امنیت، آسایش، تفریح و شادی، پیشرفت، همه و همه برعهده مرد است. چرا که زن کانون ناز و مرد سرچشمه نیاز است. نیاز مرد برای رسیدن به وصال یاری دلنواز، او را بر آن می دارد که ناز یار دلکش خویش را بخرد، هرچند که گران باشد. زن، همانند گل است. برای حفظ و تداوم زیبایی و طراوت دلفروز گل، وجود باغبانی مهربان و باوفا ضروری است. باغبانی که عاشقانه، تمام هستی خویش را نثار وی کند و در برابر این فداکاری از نعمت همدمی و همراهی گل بهره مند شود. هیچ باغبان دلداده ای، گل زیبای دلفریب خویش را به باد و طوفان نمی سپارد و او را از گزند حوادث مصون می دارد.

بشکست اگر دل من به فدای سر خم می سلامت، شکند اگر

چشم مسومت سبویی⁽¹⁾

1- فصیح الزمان شیرازی.

مسئولیت بیرون از خانه، مانند باد و طوفان سهمگین است که وجود گل گونه زن را پژمرده می سازد. هر آنچه مسئولیت بیرون از منزل، از فروغ و زیبایی زن می کاهد، در مقابل مسئولیت خانه، و ریاست بر اهل خانه، فروغ و زیبایی او را صد چندان می سازد. پیامبر ﷺ می فرماید: برای هر یک از انسان ها فرمانروایی است. مرد، فرمانروای همسر و فرزندان خویش است و زن فرمانروای خانه است.⁽¹⁾

با ازدواج، پیمان شراکتی مستانه می بندیم، تا به آرامش و لذتی دست یابیم که پیش از آن به طور کامل نداشتیم و تنها با در کنار هم بودن و یاری رساندن به یکدیگر است که می توانیم به این لذت جان فروز و جان بخش دست یابیم.

1- نهج الفصاحه، ص 422، ح 4102

14 - حمایت همه جانبه

آشکار است که کسی به تنهایی و بدون حمایت و یاری، نمی تواند به موفقیت دست یابد. شما و همسرتان، هر دو انسان هایی هستید با امیدها و آرزوهای رنگارنگ و زیبا؛ و دست یافتن به این آرزوها و رسیدن به پیشرفت و بهروزی و موفقیت و کامیابی به تنهایی محال است؛ و دو همسر باید یکدیگر را تحت حمایت همه جانبه خود قرار دهند.

خوشبختی برای یک مرد، در کنار داشتن زنی مهربان است؛ و بهروزی برای یک زن، بهره مندی از همسری است که تکیه گاه او باشد. هر مرد و زنی انتظار دارد که همسرش وی را از حمایت جانانه و یاری عاشقانه بی بهره نسازد. که اگر اینگونه باشد، تفاوتی میان همسر انسان و یک غریبه وجود ندارد. عدم حمایت در زندگی، ظلم در حق همسر است و باعث ناامنی روح می گردد. امام صادق علیه السلام می فرماید: آنکه هر کمکی از دستش بر می آید از تو دریغ نکند وی را دوست خود بدان. ⁽¹⁾

یار را دیدن، نهادن پای او بر
این عجب نبود ز یاران چشم
چشم دل یاری داشتن ⁽²⁾

1- میزان الحکمه، ج 6، ص 3025، ح 1030.

2- صفا اصفهانی.

هرگز این راز دلبری را فراموش نکنید: این رفتار ماست که عشق یا نفرت را می آفریند. هر کسی دوستان خود و کسانی که او را مورد لطف و احسان قرار داده اند، از جان و دل دوست دارد، همانگونه که نسبت به کسانی که یاری گر او نبوده اند، احساس ناخشنودی و گاهی نفرت دارد. زن و مردی که دوست دارند همواره مورد عشق و محبت طرف مقابل خود قرار گیرند، باید رفتار و گفتار خود را مراقبت کنند و یکدیگر را از حمایت عاطفی محروم نسازند.

اوحدی امیدوارست و دارد چشم گر تو یار او نباشی، هیچ کس

یاری _____ یارش نباشد⁽¹⁾

کمال خودخواهی و بی وفایی و ناسپاسی است که یکی انتظار حمایت و یاری همه جانبه از دیگری داشته باشد، اما خود در انجام این وظیفه کوتاهی کند! کوتاهی در انجام این امر، باعث می شود که به مرور زمان، همسر دست از یاری و حمایت بردارد. در این هنگام است که خوشبختی از زندگی مشترک دور و کامیابی و موفقیت نیز از همسران می گریزد.

عمر بگذشت و دلم جز عاشقی چشم یاری داشت از یاران، ولی

کاری نیافت یاری نیافت⁽²⁾

1- اوحدی مراغه ای.

2- امیر شاهی سبزواری.

15 - برآورده نمودن نیازهای برحق همسر

انسان نیازهایی دارد که برای ادامه حیات، محتاج به برآورده شدن آنهاست. آفریدگار دانا برای برآورده شدن این نیازها و ممکن شدن ادامه حیات انسان، اشیا و کسانی را در اختیار انسان قرار داده است تا به وسیله آنها بتواند نیازهای خویش را برطرف نماید. اولین یاری گر انسان، پدر و مادر می باشند که از سر عشق، تمام خواسته ها و نیازهای جسمی و روحی فرزندشان را برآورده می سازند، تا لبخند، مهمان همیشگی صورت فرزند دلبندها بماند. فرزند در دامن پر مهر و محبت پدر و مادر و با حمایت و یاری آنان رشد می کند و هنگامی که به رشد جسمی و عقلی رسید، برای برآورده ساختن نیازهایی که پدر و مادر قادر به پاسخگویی آنان نمی باشد، همسری انتخاب می کند تا در کنار او و با یاری رساندن به همدیگر نیازها و خواسته های به جا و برحق یکدیگر را برآورده سازند و آرامش، این اکسیر جاودان را به دست آورند. از ابتدای تاریخ بشر، مرد طالب وصال بوده است و به خواستگاری محبوب باید دلبنده خویش می رود. اوست که خریدار ناز و کرشمه یار می باشد؛ و برای رسیدن به محبوب، بهای عشق را بپردازد. عشقی که جز جان، بهای آن نیست. مرد باید تمام نیازهای جسمانی همسر خویش را به گونه ای عالی و در خور شأن و منزلت او برآورده سازد، بی هیچ منت و شکایت.

مرد، مانند باغبانی مهربان است و همسر، گل زیبای اوست و اگر در برآورده نمودن نیازهای گل، کوتاهی شود، وی پژمرده خواهد شد. پژمردگی گل، باعث اندوه باغبان می گردد و او را نیز پژمرده می کند. رسم عشق و عاشقی این است که نیازهای برحق همسران را برآورده نمایند. در این باره امام عاشقان،

حضرت علی علیه السلام این چنین می فرماید: دوست حقیقی آن است که نیازت را برآورده سازد.⁽¹⁾ اگر باغبان خواهان بقای طراوت گل خویش باشد و خواستار آن است که زندگی اش آکنده از رایحه خوش باشد، نیازهای طبیعی و برحق جسمانی گل خود را شناسایی کرده، برای برآورده ساختن این نیازها تا جایی که می تواند، تلاش می کند. آفریدگار مهربان، مرد را مأمور برآورده ساختن نیازهای برحق زن قرار داده است. در این صورت زن هیچ گاه همسرش را از نظر عاطفی رها نخواهد ساخت و با یاری و همدلی، طراوت و زیبایی و شادابی محیط منزل حفظ می گردد. یکی از نیازهایی که همسران باید به آن توجه کنند، نیاز جنسی است که اگر در زندگی زناشویی ارضا نشود، هیچ یک از دو همسر، به آرامش نمی رسند. برای پی بردن به راه کارهای مؤثر و کلیدی برای برآورده شدن این نیاز اساسی، به کتاب راز دلبری، فصل روابط زناشویی مراجعه کنید.

مرد را چون در شبستان زن نباشد بهره از شادی این عالم ندارد⁽²⁾

1- میزان الحکمه، ج 1، ص 79، ح 241

2- ادیب الممالک فراهانی.

زن و مرد، وظیفه دارند که با یاری رساندن به یکدیگر، نیازهای روحی و عاطفی هم را برآورده سازند و بسان دو بلبل شیدا، خواسته های همدیگر را اجابت نمایند تا به آرامش دست یابند. اگر زن و مرد در کنار هم به آرامش دست نیابند، از لذت های زندگی برخوردار نگشته، ممکن است به بیماری های روحی نیز مبتلا گردند. یکی از نمودهای بیماری های روحی، اعتیاد است که خانمان بشر را می سوزاند و دیگری خودکشی است که در اثر افسردگی حاصل از ناآرامی اتفاق می افتد.

از دیگر نتایج عدم آرامش در زندگی، خیانت همسران به یکدیگر است. کسانی که نمی توانند در کنار همسر قانونی خود به آرامش برسند، آن را در اغیار جستجو می کنند و دل به عشق دیگری می سپارند. غافل از آنکه نه تنها شب سیاه آنان به روز روشن نخواهد رسید، بلکه برای همیشه در شب تاریک، اسیر و درمانده خواهند ماند و هرگز روی زیبای خورشید آرامش را نخواهند دید. اگر این مسأله ادامه یابد و زن و مرد باز هم و یقیناً به آرامش دست نیابد، چه بسا جنایت و قتل اتفاق می افتد و زندگی برای آنان، برای همیشه تیره و تار می گردد.

خرم آن روز که من با دوست با وصال او به شادی روزگاری
کاری داشتم داشتم⁽¹⁾

1 - امیر خسرو دهلوی.

در سایه آرامش روحی و روانی است که استعدادهاى ما و فرزندانمان شکوفا مى شود و اگر بر اثر غفلت و خودخواهى، آن را از خود دریغ کنیم، به جایگاه هاى که شایستگی آن را داریم، دست نخواهیم یافت. اما نکته مهم این است که آرامش را چگونه به دست آوریم و به خود و خانواده مان هدیه دهیم؟ مهم ترین راه این است که هرگز راز دلبرى را فراموش نکنیم: این رفتار ماست که عشق یا نفرت را مى آفریند. ما در کتاب راز دلبرى، رفتارهاى عشق آفرین را به طور کامل بیان نموده ایم که مى توانید با مراجعه به آن کتاب، آن رفتارها را بیاموزید و عشق را به دست آورید و به خود و خانواده خویش هدیه دهید؛ و آن را اکسیر آرامش روح و روان در زندگى خود سازید.

ای ساقى پیش آرز سرمایه مى که همى تابد چون تاج قبادى

شادیزان

زان باده که با بوى گل و گونه لعلتقفل در کوهست و کلید در

شادى(1)

1- 1. ابوسعید ابوالخیر.

16 - اندیشه مثبت

اگر دچار بیماری شدید چه می کنید؟ یقیناً به پزشک مراجعه می کنید و وی پس از معاینه، برای شما داروهایی تجویز می کند تا به بهبودی کامل دست یابند. حال پرسش این است که چرا داروهایی را که پزشک تجویز نموده است، مصرف می کنیم؟ چون اندیشه و تفکر ما نسبت به پزشک و علم و کارآمدی وی مثبت است و او را باور داریم، وگرنه هرگز به وی مراجعه نمی کردیم. نکته ظریف این مسأله در اینجا است که بهترین و برترین پزشکان دنیا برای بیماری نمی توانند کاری انجام دهند، مگر آنکه شخص آنها را باور داشته و نسبت به آنها خوش بین باشد. پرسش دیگری مطرح می کنیم: چرا ما همسر خود را به عنوان شریک زندگی خویش بر می گزینیم؟

با همسر خود عهد می بندیم و دل در گرو یکدیگر می نهیم، چرا که ذهنیت ما نسبت به هم مثبت است و به وی و افکار و شخصیت و رفتار وی خوش بین هستیم. نوع رفتار ما با دیگران، تابع دیدگاه ما می باشد. دیدگاه ما تابع تصویر ذهنی ما و تصویر ذهنی ما انعکاس اندیشه ماست. اگر تفکر و اندیشه و ذهن ما نسبت به کسی مثبت باشد، تصویر ذهنی خلق شده از این اندیشه، مثبت، زیبا و جذاب و دلپسند خواهد بود و نگاه ما به این شخص نگاهی همراه با اعتماد و احترام خواهد بود و رفتار برگرفته از این دیدگاه والا، رفتاری خوب و پسندیده خواهد بود. اگر تفکر ما نسبت به همسرمان مثبت باشد، تصویری زیبا و جذاب و دلریا از وی در ذهن ما نقش می بندد.

بگشود نگار من نقاب از طرفی برداشت سپیده دم حجاب از

طرفی

گر نیست قیامت ز چه رو گشت ماه از طرفی و آفتاب از طرفی⁽¹⁾

پدیده

همچنین اگر همسر ما، بهترین و برترین و زیباترین باشد، اما اندیشه و تفکر منفی نسبت به وی داشته باشیم، نظر خوبی نخواهیم داشت و نمی توانیم از دیدارش شاد باشیم. گاهی همسران برای ایجاد تغییر در همسرشان و داشتن همسری ایده آل و عاشق پیشه به رمال ها و فالگیرها مراجعه می کنند. غافل از اینکه آن چه باید تغییر کند، اندیشه آنان نسبت به همسرشان است. کافی است عینک بدبینی از چشمان برداشته شود، آنگاه تغییرات خارق العاده مشاهده می گردد. امام علی علیه السلام درباره اثر اندیشه مثبت و خوش بینی می فرماید: هر که به مردم خوش گمان باشد، از آنان دوستی و مهربانی بیند.⁽²⁾

کسانی که خواهان بقای عشق در زندگی زناشویی هستند، باید

1- ابوسعید ابوالخیر

2- غررالحکم، ص 761، ح 9510.

برای رسیدن به این خواسته، اندیشه مثبت و تصویر ذهنی زیبایی از همسر خود در ذهن داشته باشند و به این اندیشه تداوم بخشند. خوش بینی به زندگی مشترک و همسر، باعث تجدید اعتماد می شود؛ و احساس اعتماد، حسی خالق آرامش است. اگر این حس کمرنگ شود، عشق نیز کمرنگ می گردد و نتیجه ای جز افسردگی و اندوه نخواهد داشت.

گل، رنگ نگار ما ندارد بوی خوش یار ما ندارد⁽¹⁾

امام علی \square به فرزندشان امام حسن \square سفارش می کنند: بدگمانی، تو را از دوست دلسوز محروم نکند. (2) اندیشه منفی نسبت به همسر و دیگران، آرامش را که مایه حیات و دوام زندگی است، از انسان می گیرد و استرس، اضطراب، غم و اندوه و درد، در سراسر وجود جایگزین می شود و این ناآرامی نتیجه اش جدایی از همسر، رو آوردن به مواد مخدر، بیماری های روحی و روانی و بیماری های جسمی خواهد بود. درباره رابطه خوش بینی و اندیشه مثبت با آرامش روح و روان، امام صادق علیه السلام می فرماید: از خوش بینی بهره ای گیر، تا با آن دلت آرام گیرد و کارت پیش رود.⁽³⁾

1- امیر خسرو دهلوی..

2- میزان الحکمه، ج 7، ص 3401، ح 11.

3- میزان الحکمه، ج 7، ص 3401، ح 11574.

شک و گمان مسبب جدایی، خیانت و جنایت است که به طور کامل در قانون صداقت بیان شد. پیامبر ﷺ می فرماید: چون به چیزی گمان می بری، آن را حقیقت میندار! (1)

هر عکس العمل، نتیجه یک عمل است. اگر همسر ما به ما بدگمان است و به ما به دیده تردید و شک می نگرد، شاید گناه و خطا از جانب ماست. شاید با کارها و رفتارهای خویش کاری کرده ایم که او نسبت به ما بدبین شود. در زندگی زناشویی، مهم ترین قانون و اولین اصل، صداقت و راستی است. کثری و کژگویی و پوشاندن حقایق زندگی، اگر منش و روش ما در برخورد با همسرمان قرار گیرد، دیر یا زود همسر ما به یک رنگ نبودن ما پی می برد و آن هنگام است که اندیشه مثبت وی نسبت به ما منفی می شود. آنگاه تصویر زیبای ذهنش مخدوش می گردد و دیگر خوش بین نخواهد بود و به همه کارها و رفتارهای ما به دیده شک و تردید می نگرد. رفتار عاشقانه اش تغییر می کند آن کس که این بلا را بر سر ما و دل ما آورده است، خود ما هستیم. حضرت علی ع می فرماید: هر که خود را در جایگاه تهمت و بدگمانی قرار دهد، نباید کسی را که به او گمان بد می برد، سرزنش کند. (2)

1- نهج الفصاحه، ص 229، ح 2

2- میزان الحکمه، ج 7، ص 3393، ح 1

17 - خانواده، اولویت اول

عاشقان هر آنچه دارند در پای محبوب خویش می ریزند، به امید آنکه وی گوشه ی چشمی به آنان بیندازد. مجنون به امید دیدار لیلی، خود را از بندگی عقل رهانید و طوق عشق را بر گردن آویخت. فرهاد به امید وصال شیرین، تیشه به دست گرفت. پس از ازدواج، مهمترین شخص در زندگی، همسر انسان است. مهم ترین خواسته انسان بعد از ازدواج، برآورده ساختن خواسته های همسر و رساندن وی به آرزوهایش می باشد. در این راستا، مردان هر روز صبح با عزمی راسخ آغاز به کار می کنند و مانند یک مبارز به جنگ روزگار می شتابند. زنان نیز صبحگاه تا شامگاه در منزل به مدیریت و تربیت فرزندان مشغول می گردند. به چه دلیلی است که انسان ها این چنین مشتاقانه به تحصیل خویش ادامه می دهند و برای رسیدن به مراتب بالای علمی تلاش می کنند؟ چرا مردان همیشه نگران پس انداز و وضعیت مالی خانواده هستند و همیشه بهبود وضعیت مالی تلاش می کنند؟ چرا زنان در پی پیشرفت و بهروزی و موفقیت خود و همسر خود می باشند؟ همه ما نیازمند کار و تلاش هستیم. انسان بدون تلاش، می میرد. همه ما نیازمند فراگیری علم و دانش و هنر می باشیم، زیرا بزرگی و ارزش انسان را به مقدار بهره مندی وی از علم و دانش و هنر وابسته می دانیم. همه ما برای بهتر زندگی کردن و رسیدن به خواسته های خود، احتیاج به ثروت و امکانات مالی داریم؛ و خواهان پیشرفت و ترقی و رسیدن به بهروزی و کامیابی می باشیم.

انسان مانند پرنده است و می خواهد و باید به اوج پرواز کند. اما هرگز نباید فراموش کند که ازدواج، خط بطلانی بر «من» و پایه «ما» است. تا پیش از ازدواج، کار، تفریح و شادی، پیشرفت، ادامه تحصیل و رسیدن به موفقیت از آن «من» و برای «من» است، اما بعد از ازدواج، همه اینها برای «ما» و از آن ماست؛ و این خودمان بودیم که خواهان این تغییر بزرگ در زندگی خود شدیم.

پس از ازدواج مسیر زندگی تغییر می کند و تمام اهداف زندگی در راستای پیشرفت و رفاه و آسایش و بهروزی همسر و فرزندان قرار می گیرد. اگر این چنین تحولی حاصل نشود، زندگی زناشویی موفق نیست و لذت شیرین زندگی مشترک را کسی درک نمی کند.

تا قبل از ازدواج، هدف در زندگی، پیشرفت و بهروزی شخص خودمان می باشد، لیکن پس از ازدواج اهداف تغییر می کنند و هدف جدید، باید پیشرفت و بهروزی خانواده باشد. مسئولیت به انجام رسانیدن خانواده به یک میزان بر دوش زن و مرد قرار دارد و هر دو باید در راستای موفقیت یکدیگر تلاش کنند. پیامبر ﷺ می فرمایند: محبوب ترین بندگان نزد خداوند، آن کس است که به خانواده اش سودمندتر باشد. (1)

1- معارف و معاریف، ج 5، ص 32

انسان برای حفظ آرامش خویش نیاز به تفریح، بازی و شادی دارد. البته تفریح، مسافرت، شادی و رفت و آمد با دوستان، نباید آرامش، شادی و رفاه خانواده را از آنان بگیرد. بهترین تفریح و شادی بخش ترین بازی و لذت بخش ترین لذت یک همسر مهربان آن است که اوقات خویش را در کنار همسر و فرزندان به سر برد. بهترین دوست یک همسر، همسر او می باشد.

خواهم اندر پایت افتم، دامن تو را دیدم، ز شادی دست
گیرم به دست و پا گم می کنم⁽¹⁾

اگر قرار باشد میان کار و خانواده یکی را انتخاب کنید، کدام را انتخاب می کنید؟ به حکم عقل باید خانواده را برگزینید! به طور مثال، اگر شغل عالی با درآمدی زیاد و آینده ای روشن به شما پیشنهاد شد، اما مستلزم دوری از خانواده به مدت طولانی بود، و شما هم از کاری نسبتاً خوب بهره مند بودید، هرگز آن را نپذیرید! زیرا کار برای بدست آوردن ثروت و پول است و دستیابی به آرامش، رفاه و شادی. اما شغلی که آرامش و شادی را از خانواده بگیرد، در حالیکه انسان می تواند با درآمد معمول و همیشگی اش روزگار بگذراند، روا نیست آرامش و شادی را از خود و خانواده اش سلب کند. اولین و مهم ترین چیزی که زن و مرد برای

1 - امیر شاهی سبزواری.

استحکام و موفقیت آن تلاش می کنند خانواده است؛ و مشغله های کاری نباید باعث دوری همسران از یکدیگر و از فرزندانشان شود. در هر صورت، خانواده از شغل انسان مهم تر است. اگر چه برای بقای خانواده باید درآمد وجود داشته باشد، ولی کسب درآمد بیشتر، دلیل مناسبی برای فروپاشیده شدن خانواده نیست. پیامبر ﷺ می فرمایند: بسا در قیامت کسی را حاضر کنند که حسنه ای نداشته باشد. خداوند بفرماید او را به بهشت برید که وی به خانواده اش مهربان بوده. ⁽¹⁾

رفیق مهربان و یار همدم همه کس دوست می دارند و من

هم ⁽²⁾

1- معارف و معاریف، ج 5، ص 32.

2 - سعدی.

18 - مقدم داشتن منافع خانواده بر منفعت شخصی

بسیاری از انسان ها به دنبال آرزوها و منافع خویش هستند و هدف آنها رسیدن به آن آرزوها و خواسته هاست. اما انسان های بزرگ، از آرزوها و خواسته های خویش چشم می پوشند تا دیگران به آرزوها و خواسته هایشان برسند. اینان مردان بزرگ روزگارند. چهارده ستاره درخشان آسمان هستی، نمونه بارز چنین راد مردانی هستند. شهیدان عزیز ما هم که از جان خود به خاطر وطن و دین گذشتند نیز از این دسته افراد هستند. همه ما از جان و دل کسانی که به خاطر ما و برای ما، از آرزوها و خواسته های خویش گذشتند، دوست داریم و هیچ گاه ایثار و گذشت آنان را فراموش نمی کنیم. همچنین هیچ گاه تلاش ها و سختی هایی که پدر و مادر مهربان ما برای ما کشیده اند، فراموش نمی کنیم و می دانیم که آنها برای اینکه ما به خواسته ها و آرزوهای خویش برسیم، آرزوها و خواسته های خود را به فراموشی سپردند و ما و آرزوهای ما را بر خود و آرزوهای خویش مقدم داشتند. ما اگر خواهان یک زندگی آرام و دلنشین و خواهان بهروزی و کامیابی خود و همسر و فرزندان می باشیم، باید دل های آنها را به دست آوریم و به این دستاورد بزرگ نمی رسیم، مگر آنکه بذر عشق و محبت بپاشیم.

در زندگی زناشویی باید اهل از خود گذشتگی، فداکاری و ایثار

بود و آرزوها و خواسته های همسر را بر آرزوها و خواسته های خویش مقدم داشت. این کار عشق و علاقه را دوجندان می سازد. حضرت علی علیه السلام:
می فرماید: با ایثار و از خودگذشتگی، دیگران را بنده خویش می سازی.⁽¹⁾

علاقه و مواردی از این دست که گذشتن از آنها مشکلی ایجاد نمی کند!
تا بود عشقت میان جان ما جان ما در پیش ما ایثار ماست⁽¹⁾

1- عطار نیشابوری.

19 - جذابیت

انسان به صورت فطری، میل به زیبایی دارد. از اینرو تا جایی برایش امکان پذیر باشد، در مکان هایی که در آنجا احساس آرامش و شغف می کند، حاضر می شود و از بودن در آن لذت می برد. از چه رو بعضی مکان ها برای بعضی افراد خوشایند است؟ شاید دلیل، این باشد که آن مکان ها برای آنها جذابیت دارد و روحشان را جذب می کند. مانند پرتو نورانی شمعی که پروانه را به سوی خویش می خواند. انسان دارای روح لطیف و با احساس است که بی اختیار به انسان ها، مکان ها، اشیا و چیزهای جذاب و پرکشش، واکنش مثبت نشان می دهد و به سمت آنها مایل می شود. بنابر آمار، در کشور ما بیشترین طلاق ها در سه سال اول ازدواج رخ می دهد. یکی از دلایل مهم و قابل ذکر این است که زن و مرد پس از گذشت زمان، دیگر آن جذابیت خیره کننده و شورانگیز را نسبت به هم از دست می دهند. پس از مدتی زن و مرد برای هم تکراری می شوند. دیگر عروس خانم از نگاه کردن و چشم انداختن به قد و بالای همسرش لذت نمی برد؛ و دیگر از نگاه های پر نیاز و مرد به همسرش خبری نیست. زن و شوهری که از عشق هم غرق شور و شغف بودند و دل از هم بر نمی کنند، پس از مدتی هر یک دل خویش برداشته و راه خود در پیش گرفته است. زیبایی و آراستگی یکی از دلایل جذابیت است، اما همیشه هم مهم نیست. اگر شما زیباروترین هم باشید، اما ندانید که چگونه با همسر خود رفتار کنید تا عشق را تازه نگه دارید، به زودی دیگر اثری از عشق در دل همسرتان نخواهد ماند. همسران باید بدانند که اگر آموزش همسرداری و مهارت زندگی زناشویی را فراموش کنند، احتمال این که این پیوند آنها سست یا گسسته شود، زیاد است.

اما چگونه رفتار کنیم تا آتش عشق در دل هایمان سرد و خاموش نگردد؟ هر رفتاری نیاز به آموزش دارد. رانندگی با اتومبیل، آشپزی، ورزش و هر چیز دیگری نیازمند آموزش صحیح است. ما در کتاب راز دلبری، چگونه رفتار کردن با همسر و سرشار از عشق و مهر و محبت شدن را به شما آموزش می دهیم. رفتارهای عشق آفرینی که همسران را برای همیشه شیفته و شیدای شما می سازد. راز دلبری را هرگز فراموش نفرمائید: این رفتار ماست که عشق یا نفرت را می آفریند. برای چگونگی همواره جذاب بودن و همواره دلبری کردن و چگونه عاشق ماندن، به کتاب راز دلبری مراجعه نمایید و بدانید راز دلبری، راهی است برای آموختن عشق. در این کتاب، عشق سالاری جایگزین متدهای غربی شده است. عشق که افتخار مردم عاشق پیشه ایران زمین است.

20 - مدارا

حضرت علی علیه السلام و همسر ایشان فاطمه زهرا علیها السلام زوجی هستند که در کامل بودن و عاشق بودن، کسی به آنها نخواهد رسید. ایشان، یگانه همسرانی هستند که از هر عیب و خطا به دور بوده اند. به غیر از ایشان که پریانی در جسم انسان هستند، بقیه انسان ها کاستی ها و نقایصی دارند. ما نیز از این مسأله بری نیستیم. اما کاستی ها و ایرادات، نباید مشکلی در زندگی مشترک به وجود بیاورند. با مدارا کردن و انعطاف در برابر مشکلات، انسان می تواند بهترین لذت را از زندگی خود داشته باشد. زن و مرد باید مانند باغبان باشند. باغبان به گل های خود عشق می ورزد، با آنکه می داند که گل هایش خار هم دارند و چه بسا، دستانش به هنگام نوازش گل ها، به خار زخمی شده باشد! امام علی علیه السلام این چنین میفرماید: نرمی و مدارا، کلید کامیابی است. ⁽¹⁾

زن و مرد باید به یاری هم عیوب و کاستی های یکدیگر را برطرف نمایند. انعطاف پذیری، مدارا نمودن و کنار آمدن با کاستی های همسر به این معنی نیست که آنها را بپذیریم، بلکه باید برای رفع آن عیوب و کاستی ها به وی یاری رسانیم. البته بعضی شرایط را نمی توان تغییر داد. مثلاً نازیبایی صورت، نا متعادل بودن

1 - میزان الحکمه، ج 5، ص 2107، ح 7365.

قد و قامت، اصل و نسب، بیماری های لاعلاج و... که باید پیش از ازدواج با دقت به این موارد، چشم های خود را بازکنیم! پس از ازدواج نیز به انتخاب خود احترام بگذاریم. عیب بستن به همسر، به معنای عیب خرد و انتخاب ماست!

در رویارویی با طوفان های سهمگین، درختانی تاب ایستادگی دارند که انعطاف پذیر باشند. درختانی که اهل انعطاف و سازگاری و نرمش و مدارا نباشند، درهم می شکنند. ما هم اگر اهل مدارا و انعطاف نباشیم و نتوانیم خود را با شرایط خاص و ویژه همسر خود سازگار کنیم، به زودی دلشکسته می شویم و این مسأله باعث سرخوردگی و افسردگی در ما می شود.

یار به من باز جفا می کند ترک مدارا و وفا می کند⁽¹⁾

باید پذیرفت که هیچ انسان به طور مطلق کامل نیست و هر کسی دارای عیوبی است. ما و همسر ما نیز از این امر مستثنا نیستیم. بنابراین به جای توهم و زندگی در رؤیا، عیوب یکدیگر را نادیده بنگاریم و در کنار هم کامل شویم که مدارا کردن، اساس دوستی است. امام علی علیه السلام می فرماید: با مردم مدارا کن تا از دوستی آنان بهره مند شوی.⁽²⁾

1- طغرل احراری.

2- میزان الحکمه، ج 4، ص 1641، ح 5507.

سخن آخر

هدف از نگارش دو کتاب آیین دلبری و راز دلبری، نشان دادن راه های ایجاد عشق در زندگی های زناشویی است. عشقی که اگر بر زندگی حاکم نباشد و دل را آرام نسازد، غم و اندوه، روان انسان را در بر می گیرد و این برای تباه ساختن دنیا و عاقبت او به تنهایی کافی است. فقدان عشق در خانواده، باعث فروپاشی آن می شود. برای پی بردن به اهمیت آیین دلبری و راز دلبری، نگاهی به مسایل زیر، کافی است:

1 - طلاق: متأسفانه این طاعون سیاه، روز به روز در جامعه ما رو به گسترش است. در سالهای اخیر آنچنان زندگی های زناشویی را مورد هجوم قرار داده است که دهه فعلی را دهه کولاک طلاق نامیده اند. مهم ترین مسأله ای که زندگی ما و فرزندانمان را تباه می سازد.

2 - اعتیاد: بیشتر افرادی که اسیر باتلاق مواد مخدر می شوند، دارای زندگی پرتنش و پراسترس هستند و برای رهایی از دردهای کشنده روحی، به مواد مخدر پناه می آورند. اگر در زندگی زناشویی، عشق نباشد، زن و مرد هرگز آرامش نخواهند داشت. چرا که عشق، خالق آرامش است و کم نیستند زن و شوهرانی که برای رهایی از استرس و اضطراب زندگی زناشویی پرتنش خویش، به مواد مخدر روی آورده و خود را اسیر چنگال این دیو سیاه نموده اند.

3 - روی آوردن به مشروبات الکلی: زندگی پرتنش و پراسترس برای هیچ کس قابل تحمل نیست. کم نیستند زن و شوهرانی که به جای تلاش برای رفع عوامل استرس زا و روی آوردن به داروی عشق، این گل با صفای خوش رنگ و بو، رو به مشروبات الکلی می آورند. غافل از این که روز به روز استرس زندگی آنان بیشتر و بیشتر خواهد شد.

4 - بیماری های جسمی و روحی: بنابر تحقیقات پزشکان و روان پزشکان، داشتن یک زندگی پرتنش و پراسترس منشأ بسیاری از بیماری های روحی و جسمی، مانند بیماری های قلبی، پوکی استخوان، فشار خون سرطان، افسردگی و... می باشد.

5 - خودکشی: هرگاه فشارهای عصبی و استرس یک زندگی زناشویی پرتنش، روز به روز زیادتر شود، دنیا برای زن و شوهر و فرزندان آنان تیره و تار می گردد و امکان این که ساکنین این خانه وحشت برای رهایی از فشارهای روحی و روانی اقدام به خودکشی کنند، کم نیست.

6 - خیانت و فساد و فحشا: هرگاه زن و شوهر نتوانند به همدیگر عشق بورزند و نیاز اساسی روح را به دوست داشتن و دوست داشته شدن برآورده سازند، برای برآورده ساختن این نیاز مهم، ممکن است رو به اغیار آورند و دل در گرو دیگران نهند.

7 - جنایت: زن و شوهرانی که یکدیگر را از جان و دل دوست دارند و به هم عشق می وزند، نمی توانند همسر خود را غمگین ببینند و یا او را بیزارند.

این معجزه عشق است؛ اما همسرانی که عشق در زندگی آنان جایگاهی ندارد و مهر و محبت بین آنان کمرنگ است، سایه شوم نفرت بر زندگی آنان سایه می اندازد و برای رهایی از چنین زندگی پرماللی ممکن است دست به جنایت بزنند.

8 - تباهی فرزندان: آرزوی هر زن و مردی، داشتن فرزندانی سالم، موفق و خلاق است و تمام رنج ها و سختی ها را برای رسیدن به این آرزوی بزرگ و زیبا تحمل می کنند. زن و مرد برای موفقیت و بهروزی فرزندان خود باید بستر رشد و پیشرفت آنان را فراهم نمایند. در این راه اساسی ترین شرط پیشرفت، آرامش روح و روان است. در آرامش است که قدرت ذهن افزایش می یابد و بهتر می توان از توان نامتناهی اندیشه بهره برد و به موفقیت و کامیابی رسید. از این روست که روان شناسان معتقدند که در هر خانه ای که بین زن و شوهر عشق حاکم باشد، ضریب هوشی بچه ها بالاتر است. پدر و مادری که از زندگی عاشقانه و توأم با محبت و آرامش بی بهره میباشند و صاحب یک زندگی پرتنش و پر استرس هستند، امکان اینکه فرزندانشان مبتلا به اعتیاد، مشروبات الکلی، بیماری های جسمی و روحی، خودکشی، فساد و فحشا، دوستان ناباب، جرم و بزه کاری و جنایت و... شوند، زیاد است. بنا بر آمار، هشتاد درصد بزه کاران جامعه به خاطر نبود عشق و مهر و محبت و دوستی در زندگی پدران و مادرانشان، این چنین پژمرده و پرپر شده اند.

تمام بلاها و مصیبت هایی که بیان شد، کافی است که اهمیت مباحث مطرح شده در کتاب آیین دلبری و ظرایف بیان شده در کتاب راز دلبری برای خواننده آشکار شود. پس باید که عشق، این عطیه الهی را در زندگی زناشویی خویش حاکم نموده، همچون شیرین و فرهاد عاشقانه زندگی کنیم تا خود و همسر و

فرزندانمان را از داشتن یک زندگی خوب و خوش و شیرین بی بهره نسازیم و در پیشرفت و سر بلندی کشور عزیزمان ایران، سهم بسزایی داشته باشیم.

فهرست منابع

1 قرآن کریم

2 الکافی، شیخ کلینی، 8جلدی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ

1381 قمری.

3 بحار الانوار، علامه مجلسی، 110 جلدی، دارالکتب الاسلامیه،

چاپ 1380 قمری.

4 حکمت نامه جوان، ری شهری، دارالحدیث، چاپ پنجم،

1386 شمسی.

5 غررالحکم، مهدی انصاری، امام عصر، چاپ دوم، 1382

شمسی.

6 فرهنگ آفتاب، عبدالمجید معادیخواه، 9جلدی، نشر ذره،

چاپ اول، 1372 شمسی.

7 فرهنگ بزرگ سخن، حسن انوری، 8جلدی، سخن، چاپ

اول، 1381 شمسی.

8 فرهنگ معین، محمد معین، 6جلدی، امیر کبیر، چاپ بیستم،

1382 شمسی.

9 میزان الحکمه، ری شهری، 15 جلدی، دارالحدیث، چاپ

پنجم، 1384 شمسی.

10 نهج البلاغه، سید رضی، ترجمه محمد دشتی، پارسایان،

1382 شمسی.

ص: 87

11 نهج الفصاحه، ترجمه ابراهیم احمدیان، پارسایان، چاپ

دوم، 1382 شمسی.

12 وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، 20 جلدی، مؤسسه الاعلمی

للمطبوعات، چاپ 1427 قمری.

فهرست مطالب

3	سرآغاز.....
12	2 - رفاقت
20	4 - بخشایش
24	5 - عیب پوشی
30	6 - شکیبایی
34	7 - وفاداری
38	8 - ایجاد تعادل میان همسر و دیگر عزیزان
42	9 - رازداری
46	10 - بیان احساسات، خواسته ها و گلایه ها.....
51	11 - برابر دانستن همسر با خود
54	12 - همسر شما برای شما بهترین است.
58	13 - شراکت
62	14 - حمایت همه جانبه.....
64	15 - برآورده نمودن نیازهای برحق همسر.....
68	16 - اندیشه مثبت
72	17 - خانواده، اولویت اول
76	18 - مقدم داشتن منافع خانواده بر منفعت شخصی
79	19 - جذابیت
80	20 - مدارا.....
83	سخن آخر

87.....	فهرست منابع
90.....	فهرست مطالب